هفته نامه اطلاع رسانی شهرداری قزوین

پیام شهر قزوین

شنبه نوزدهم اسفند ماه ۱۴۰۲
۲۸ شعبان ۱۴۴۵ هجری قمری
شماره ۳۹۳ | ۸ صفحه | قیمت ۱۰۰۰ تومان

استاد پیله چی هنرمند پیشکسوت خوشنویسی:

آینده خوشنویسی در هاله ای از ابهام

صفحه ۴

متاسفانه امروزه با توجه به شرایط اقتصادی، هنرمندان خوشنویس ما نه آن جایگاه واقعی و درخور مناسبی که باید داشته باشند را دارند و نه از لحاظ اقتصادی قدر و بهایی برای هنرشان تعریف می شود. تمامی این موارد دست به دست هم می دهد تا ما آینده هنر خوشنویسی را چندان روشن، پویا، سرزنده و سرحال نبینیم...

عکس: حنا خلج | پیام شهر

پارلمان محلی

صفحه ۲

علی فرمانی رییس شورای اسلامی شهرقزوین اعلام کرد:

اختصاص ۳۰ میلیارد تومان اعتبار جهت احیای سراهای تاریخی بازار سنتی قزوین

رییس شورای اسلامی شهرقزوین گفت: در بودجه سال آینده سازمان نوسازی وبهسازی شهرداری ردیف بودجه ای ویژه برای احیای سراهای تاریخی بازار سنتی قزوین به مبلغ ۳۰ میلیارد تومان در نظر گرفته شد....

مدیریت شهری

صفحه ۳

شهردار قزوین:

ابلاغ نقشه‌های طرح تفصیلی جدید قزوین و دفترچه ضوابط و مقررات ساخت و ساز جهت اجرا به مناطق چهارگانه

شهردار قزوین گفت: امروز، به برکت ایثارگری، جانفشانی و خون شهدا، نظام جمهوری اسلامی ایران، کشوری سربلند و مقتدر است. به گزارش پیام شهر؛ مهدی صباغی...

دفاع مقدس

صفحه ۵

جنگ برای ما تمام نشده است

نام قهرمان، برای ما تداعی کننده شهیدان و جانبازان ۸ سال دفاع مقدس است؛ مصائب و سختی های بازماندگان که هیچ گاه به راحتی برایمان قابل درک و لمس نبوده است. جوانانی که بی هیچ باکی، جان بر کف از...

دریچه

صفحه ۶

در گفت وگوی پیام شهر با مدیران استانی وزارت نیرو مطرح شد؛

«وضعیت آبی» چالش های مهم استان

بر اساس بررسی های میدانی و اعلام مسوولان امر در استان، دشت قزوین به دلیل کاهش بارش و نزولات آسمانی در سنوات گذشته، با تراز منفی مواجه شده و اکنون ۶ شهر استان قزوین ...

اقتصاد

صفحه ۷

به بهانه ۹ اسفند، روز ملی حمایت از حقوق مصرف کنندگان؛

رزمندگان خودمحوری را کنار گذاشته و از «من» به «ما» تبدیل شده بودند

ایرانیان از دیرباز به تولید محصول باکیفیت شهره بوده‌اند، اما متاسفانه در روزگار ما منافع زودگذر باعث شده برخی از تولیدکنندگان از کیفیت کالای خود بکاهند که و نتیجه آن شده که برخی از مصرف کنندگان ...

حرکت به سمت هوشمندسازی بازرسی

• مردم بر شهرداری نظارت کنند

سرپرست مدیریت بازرسی شهرداری قزوین از راه اندازی دو سامانه ثبت شکایات و گزارش‌های مردمی و سامانه سوت زنی شهرداری خبرداد.

محمد ربیعی سرپرست مدیریت بازرسی شهرداری قزوین در این باره گفت: شهرداری به‌عنوان یک دستگاه خدمت‌رسان در پیشانی ارتباط با مردم قرار دارد و در این بین ممکن است با اختلافاتی موجبات نارضایتی ارباب رجوع از نحوه عملکرد کارکنان رخ دهد.

وی افزود: سامانه گزارش و شکایات به همت سازمان فناوری اطلاعات و ارتباطات و مدیریت بازرسی شهرداری قزوین در جهت حفظ حقوق شهروندی ایجاد شده و شهروندان می‌توانند در صورتی که از عملکرد نادرست هریک از معاونت‌ها، مناطق، سازمان‌ها، ادارات و واحدهای شهرداری شکایت داشته و یا نسبت به نقض قوانین و مقررات مربوطه اعتراض دارند از طریق سامانه شکایات مردمی پیگیری نمایند.

ربیعی عنوان کرد: نظارت و بازرسی و مبارزه با فساد همواره مورد تأکید مقام معظم رهبری بوده و در دولت سیزدهم نیز همواره بر امر مردمی سازی تأکید شده است، لذا در این راستا و در جهت مشارکت شهروندان و ارباب رجوع و حتی کارمندان شهرداری، این امکان با همکاری سازمان فاوا شهرداری فراهم شده تا در بستر سامانه برخط سوت‌زنی، گزارش‌های مردمی از فساد در شهرداری دریافت و مورد بررسی قرار گیرد.

سرپرست مدیریت بازرسی شهرداری قزوین تصریح کرد: این دو سامانه در بستر برنامه کاربردی قزوین من و در بخش ارتباطات و نظر سنجی به آدرس http://my.qazvin.ir ایجاد شده و شهروندان می‌توانند در این بخش از طریق فرم ثبت شکایات مردمی و طی مراحل پیش بینی در سامانه شکایات خود را ثبت کنند، همچنین سامانه سوت زنی نیز در همین سامانه و در بخش مشارکت شهروندی قرار داشته و همشهریان می‌توانند با تکمیل مراحل فرم سوت زنی گزارشات خود در ارتباط با فساد را ارائه دهند.

این مسئول اضافه کرد: مدیریت بازرسی در جهت تسهیل امر مردم و حفظ حقوق شهروندی، رسیدگی به این شکایات و گزارش‌ها را در دستور کار قرار داده و در اسرع وقت نتیجه را اعلام خواهد کرد؛ همچنین در صورتی که شهروندان نیاز به مراجعه حضوری و ادای توضیحات بیشتر داشته باشند می‌توانند از طریق همین سامانه اعلام نمایند.

سرپرست مدیریت بازرسی شهرداری اظهار داشت: این سامانه‌ها هم‌اکنون فعال بوده و امکان ثبت موضوع شکایات در آن وجود دارد که پس از ثبت اطلاعات، کارشناسان و بازرسان این مدیریت نسبت به گزارش‌گیری دقیق،

تحلیل، آسیب‌شناسی و داده‌کاوی از اطلاعات به‌دست‌آمده، اقدام می‌کنند.

ربیعی افزود: این دو سامانه که با هدف بهره‌مندی از شکایات مردمی برای ارتقای بهبود کیفیت ارائه خدمات به شهروندان، نظارت مؤثرتر بر عملکرد زیرمجموعه‌های شهرداری، سرعت دادن به رفع تعارضات و مشکلات مردمی راه‌اندازی شده است، امکان ثبت شکایت به‌صورت فوری باقابلیت افزودن مستندات شامل تصویر، صوت و ... همچنین امکان پیگیری شکایات با دریافت کد رهگیری را به شهروندان می‌دهد.

این مسئول تأکید کرد: چنانچه شهروندان از نحوه ارائه خدمات زیرمجموعه‌های شهرداری قزوین در زمینه‌های نقض قوانین، عدم انجام‌وظیفه، اطاله رسیدگی، عدم پاسخگویی یا ضعف در ارائه خدمات، انتقادی داشته و از این مدیریت خواهان رسیدگی برای احقاق حق خود باشند، یا به‌عنوان یک شهروند آگاه با احساس مسئولیت اجتماعی از سوء جریان اداری نظیر تضییع اموال عمومی یا دیگر تخلفات اداری شهرداری اطلاعاتی دارند، می‌توانند انتقاد یا اطلاعات خود ازاین‌گونه موارد را به سامانه ثبت شکایات مردمی مدیریت بازرسی شهرداری قزوین ارسال نمایند تا طبق مقررات به آن رسیدگی شود.

سرپرست مدیریت بازرسی شهرداری قزوین برقراری ارتباط بین شهرداری و شهروندان را ازجمله اهداف و نتایج راه‌اندازی سامانه دریافت شکایات مردمی و سامانه سوت زنی ذکر کرد و گفت: کم کردن مراجعه حضوری شهروندان در راستای تکریم ارباب‌رجوع، کاهش هزینه‌ها و بهبود خدمات‌رسانی به آنان از دیگر اهدافی است که شهرداری قزوین دنبال کرده است.

ربیعی در پایان گفت: حفظ حقوق شهروندان در تمام اجزای شهرداری اولویت مجموعه مدیریت شهری است و مدیریت بازرسی شهرداری نیز تلاش دارد تا در این زمینه، شرایط رسیدگی را برای رفع اشکالات و فرایندها تسهیل نمایند.

ویژه

حیدر ولی زاده/سردبیر

چرا مردم در جمهوری اسلامی «ولی نعمت» هستند؟

«شما باید توجه به این معنا بکنید که ما را این‌ها آورده‌اند و وکیل کرده‌اند، آورده‌اند و وزیر کرده‌اند، رئیس جمهور کرده‌اند. اینها، ولی نعمت ما هستند، و ما باید، ولی نعمت خودمان را از آن قدردانی کنیم و خدمت کنیم به او و همین‌ها هستند که الآن هم حفظ این کشور را می‌کنند و حفظ نظام این کشور را می‌کنند. " صفحه امام (ره) /ج ۱۶/ص ۲۵

یکی از اساسی‌ترین و مهم‌ترین نکاتی که در مورد مردم در بیانات بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران وجود دارد، مربوط به «ولی نعمت» بودن مردم است. شاید تاکید بر همین یک موضوع به تنهایی بتواند بیانگر نقش مهم، اساسی و برجسته مردم در نظام جمهوری اسلامی ایران باشد. نظامی که هر چند به لحاظ ماهیت اسلامی است و با نظام‌های ساخت یافته از تفکرات سکولار بر پایه اومانیسم متمایز است، ولی در چهارچوب دینی خود تاکید محوری و کلیدی بر نقش مردم دارد تا آنجایی که آنان نه یک شهروند عادی بلکه، ولی نعمت شمرده می‌شوند.

همین «ولی نعمت» بودن مردم در نظام جمهوری اسلامی ایران در واقع جهت دادن به رفتار و عملکرد مسئولان در پیشبرد امور و مسئولیت‌های تحت اختیار آنان است. یعنی مسئولان در هر مرتبه و سمتی که باشند باید اولویت خود را خدمت رسانی به مردم قرار دهند چرا که همین مردم عادی هستند که در مرحله اول موجب بنیان و حفظ نظام و کشور شده اند و در مرحله دوم نیز عامل رسیدن کارگزاران به مسئولیت‌های مختلف از سطح خرد تا کلان هستند.

انتخابات روز جمعه (۱۱ اسفندماه) بار دیگر ثابت کرد که حقیقتاً مردم در این نظام «ولی نعمت» هستند و همچنان که نقش کلیدی در حفظ و بقای نظام دارند حق بزرگی نیز بر گردن تمامی مسئولان دارند. در شرایطی که از ماه‌ها قبل تبلیغات و جنگ رسانه‌ای بیگانگان در این جهت بود که حضور مردم در انتخابات به حداقل‌ترین شکل ممکن در قیاس با دوره‌های قبلی برسد و در واقع شاهد تفاوت معنی داری بین این دوره و دوره‌های پیشین باشیم، ولی مردم ایران با حضور ثابت و همیشگی خود در پای صندوق‌های رای نشان دادند که در حفظ دین، نظام و وطن از مسئولان و کارگزارن پیشروتر هستند.

در این شرایط و با وجود تمامی مشکلات از جمله اقتصادی و برخی از کم کاری‌ها از سوی مسئولان مردم از تنها ابزار ممکن خود برای بهبود امور و داشتن آینده روشن که همانا صندوق رای بود عقب نشینی نکردند و برای حفظ نظام جمهوری اسلامی ایران بار دیگر گام مهم و سرنوشت سازی را برداشتند تا بار دیگر نقش اساسی و مهم خود را به عنوان عنصر مهمی از حاکمیت اسلامی نشان دهند آن چیزی که در سایر نظام‌ها به ندرت دیده می‌شود یعنی مردم به عنوان موتور پیشران یک حکومت باشند و عامل بقا و حرکت به پیش باشند.

اکنون نتایج انتخابات در بسیاری از شهرستان‌ها مشخص شده است و در سایر حوزه‌ها نیز در دور دوم تکلیف منتخبین مجلس دوازدهم مشخص می‌گردد آن چیزی که بعد از انتخابات و در ۴ سال دوره خدمت نمایندگان ضرورت دارد که همواره باید از سوی منتخبین مورد توجه باشد خدمت به مردم به عنوان «ولی نعمت» است آن مهمی که بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران و مقام معظم رهبری بارها بر آن تاکید داشته اند. اگر این مهم که همانا فلسفه وجودی برای مسئولیت‌ها و سمت‌ها است از سوی کارگزارن نظام جمهوری اسلامی ایران جدی در نظر گرفته نشود می‌توان گفت که مصداق همان کفران نعمت است و به مانند تمامی ادوار توفیق خدمت رسانی به مردم از آنان از سوی خود مردم سلب خواهد شد.

الإمامُ علیٌّ علیه السلام: ما أکثَرَ العِبَرَ، و أقَلَّ الاعتِبارَ

آگهی مجمع عمومی شرکت تعاونی مصرف کارکنان شهرداری قزوین

سهامدار گرامی شرکت تعاونی مصرف کارکنان شهرداری قزوین از شما دعوت می‌گردد تا در مجمع عمومی روز ۱۴۰۲/۱۲/۲۶ از ساعت ۱۴ الی ۱۵ در نمازخانه شهرداری مرکز جهت نوبت دوم انتخاب هیات مدیره و بازرس و نوبت سوم استعفا حضور بهم رسانید.

غلامرضا ابراهیمی
مدیرعامل و رئیس هیئت مدیره

پیام شهر قزوین
پارلمان شهری
۲
شنبه ۱۹ اسفند ماه ۱۴۰۲
۲۸ شعبان ۱۴۴۵
شماره ۳۹۳

رویا بابایی

اللهیاری دبیر شورای اسلامی شهر قزوین:

بودجه شهرداری باید بر اساس نظام مسائل شهر تدوین شود نه مشکلات پیش‌رو

دبیر و رییس کمیسیون فرهنگی، ورزشی واجتماعی شورای اسلامی شهرقزوین گفت: تدوین و برنامه ریزی بودجه شهرداری باید بر اساس نظام مسایل شهری باشد تا مسیر را برای رسیدن به اهداف مد نظر هموار کند.
به گزارش روابط عمومی شورای اسلامی شهرقزوین؛ قاسم اللهیاری در جلسه این شورا که با دستور کار بررسی بودجه سازمان های شهرداری برگزار شد اظهار کرد: اگر بودجه براساس نظام مسایل و مشکلات تدوین شود مسیر تحقق اهداف مشخص و آسان تر خواهد بود.
وی افزود: به عنوان مثال ممکن است همیشه راه حل یک گره ترافیکی احداث پل نباشد و موضوع به فرهنگ ترافیکی مردم برگردد که بر اساس نظام مسائل احصا شده است و با فرهنگسازی در این حوزه مشکل برطرف شود.
وی با بیان اینکه اقدامات جزیره ای باعث می شود نتوانیم به اهداف مدنظر برسیم، افزود: به نظر می رسد در بودجه و طرح ریزی برخی سازمان ها به ویژه تملک املاک سلیقه ای عمل شده و متناسب با نظام مسایل و مشکلات برنامه ریزی نشده است.

چگینی رییس کمیسیون مالی شورای اسلامی شهر قزوین ؛

قزوین شهری تاریک است؛ اداره برق با شهرداری قزوین در روشنایی شهر همکاری کند

رییس کمیسیون مالی شورای اسلامی شهر قزوین خواستار توجه مسوولین استانی نسبت به روشنایی شهر شد.
به گزارش روابط عمومی شورای اسلامی شهرقزوین؛ ولی چگینی در جلسه شورا که با دستور کار بررسی بودجه سازمان زیباسازی شهرداری برگزار شد، اظهار کرد: اقدامات سازمان زیباسازی پیشانی و به نوعی آبروی شهر محسوب می شود و باید ردیفهای اعتباری این سازمان با تخصیص صد درصدی مصوب شود.
وی ادامه داد: در حال حاضر بسیاری از اقدامات فرهنگی نیز توسط سازمان زیباسازی انجام می شود و عملکرد بسیار خوبی در حوزه وظایف و تکالیف خود دارد بر این اساس ضرورت دارد تا از لحاظ بودجه ای نگاه ویژه ای به این سازمان صورت گیرد.
به گفته چگینی، بودجه پیشنهادی شهرداری برای این سازمان که باعث افزایش روحیه نشاط و شادابی در شهروندان نیز می شود ۳۵ میلیارد تومان است که پیشنهاد می شود مبلغ نهایی بودجه این سازمان به دو برابر افزایش ومبلغ ۷۰ میلیارد تومان افزایش یابد.
رئیس کمیسیون مالی شورای اسلامی شهرقزوین، در بخش دیگری از سخنانش بر لزوم توجه روشنایی معابر و میادین شهری تاکیدکردو گفت: متاسفانه شهر قزوین شهری تاریک است و در شهری که مسوولین آن داعیه گردشگری دارند، نباید شاهد تاریکی معابر و میادین شهری باشیم لذا ضرورت دارد تا در نشستی تعاملی با اداره برق نسبت به حل این مشکل اقدام شود .

فصیحی رامندی عضو شورای اسلامی شهر قزوین تاکید کرد:

لزوم توجه به اقدامات زیباسازی در نواحی منفصل شهری قزوین

عضو شورای اسلامی شهر قزوین برلزوم توجه به اقدامات زیباسازی در نواحی منفصل شهری قزوین تاکید کرد.
به گزارش روابط عمومی شورای اسلامي شهر قزوین؛ فرج اله فصیحی رامندی در جلسه بررسی بودجه سازمان زیباسازی شهرداری قزوین بر لزوم توجه به زیباسازی در نواحی منفصل شهری تاکید کرد و گفت: اقدامات سازمان زیباسازی در مناسبت‌ها و مراسم ها در شهر قزوین ارزشمند و مطلوب است و لازم است تا این اقدامات در نواحی منفصل شهری نیز اجرایی شود تا رضایت ساکنین این مناطق فراهم شود.
این عضو شورای اسلامی شهر قزوین همچنین خواستار نصب تمثال شهدا در کمربندی مرحوم آیت اله باریک بین شد و گفت: در بدنه پل ها و فضاهای کمربندی آیت اله باریک بین و بلوار پیامبر اعظم (ص) تمثال شهدا و احادیث و روایات معصومین نصب شود.
فصیحی رامندی خاطر نشان کرد: قزوین شهر دارالمومنین بوده و شایسته است تا در مسیر بلوارها و معابر اقدامات ماندگار فرهنگی از جمله نصب تمثال شهدا و نقش بستن احادیث و روایات ائمه معصومین (ع)صورت گیرد.
این عضو شورای اسلامی شهر قزوین همچنین خواستار نصب احادیث و روایات با خط نستعلیق در بلوار کمربندی آیت اله باریک بین و بلوار پیامبر اعظم (ص) شد.

علی فرمانی رییس شورای اسلامی شهرقزوین اعلام کرد:

اختصاص ۳۰ میلیارد تومان اعتبار جهت احیای سراهای تاریخی بازار سنتی قزوین

رییس شورای اسلامی شهرقزوین گفت: در بودجه سال آینده سازمان نوسازی وبهسازی شهرداری ردیف بودجه ای ویژه برای احیای سراهای تاریخی بازار سنتی قزوین به مبلغ ۳۰ میلیارد تومان در نظر گرفته شد.
به گزارش روابط عمومی شورای اسلامی شهرقزوین؛ علی فرمانی در جلسه بررسی بودجه پیشنهادی سازمان نوسازی وبهسازی شهرداری قزوین با بیان این مطلب اظهار کرد:باید بتوانیم با افزایش تعاملات با دستگاه های دیگر از جمله سازمان اوقاف کارهای مشارکتی از جمله احیای سراهای تاریخی بازار سنتی قزوین را پیگیری و اجرایی کنیم.
وی خاطر نشان کرد: باید با سایر نهادها در احیا و تملک سراهای تاریخی شهر مانند سرای قیصریه، حاج رضا و سرای وزیر تلاش کنیم و از دل بازار سنتی قزوین یک سعدالسلطنه دیگری ایجاد کنیم.
فرمانی پیشنهاد داد؛ در بودجه سال آینده سازمان نوسازی وبهسازی شهرداری ردیف بودجه ای ویژه برای احیای سراهای تاریخی بازار سنتی قزوین به مبلغ ۳۰ میلیارد تومان در نظر گرفته شود.
رئیس شورای اسلامی شهرقزوین همچنین خواستار اختصاص ۱۵ میلیارد تومان اعتبار جهت تملک حمام تاریخی پیرحصار شد و گفت: شهرداری در حوزه تملک واحیای حمام های تاریخی شهر بودجه ای را برای سال آتی در نظر نگرفته است؛ لذا پیشنهاد می شود بودجه ۱۵ میلیارد تومانی جهت تملک و احیای حمام تاریخی پیرحصار در بودجه سازمان نوسازی و بهسازی شهرداری درنظر گرفته شود .
فرمانی در بخش دیگری از سخنانش از تشکیل شورای معنوی شهری خبرداد وگفت: بعداز اتمام بررسی بودجه شورای معنوی شهری واستانی را ایجاد می کنیم تا با حضور مدیران ارشد استان و تعاملات بیشتر با آنها بتوانیم برای پیشرفت و توسعه بیشتر شهر قزوین وحل مشکلات گام های اساسی برداریم.

رئیس کمیسیون بانوان شورای اسلامی شهر قزوین تاکید کرد؛

لزوم توجه به پیوست‌های مادر و کودک در تمامی سازمان‌های شهرداری

رییس کمیسیون بانوان و خانواده شورای اسلامی شهرقزوین گفت: با توجه به پایلوت بودن شهر قزوین به عنوان شهر «دوستدار کودک» باید در بودجه تمامی سازمان‌های شهرداری درسال آینده پیوست‌های مادرو کودک رعایت شود.
به گزارش روابط عمومی شورای اسلامی شهرقزوین، فاطمه اشدری در جریان روند بررسی بودجه پیشنهادی سازمان‌های شهرداری با تأکید بر این مطلب اظهار کرد: با توجه به اینکه قزوین به‌عنوان پایلوت یکی از شهرهای دوستدار کودک معرفی شده ضرورت دارد تا در تمامی اماکن عمومی و پروژه‌های مدیریت شهری پیوست‌های مادروکودک مورد توجه قرار گیرد و ردیف بودجه اختصاصی برای این منظور در بودجه لحاظ شود.
وی در بخش دیگری از این جلسه که به بررسی بودجه سازمان آرامستان‌ها اختصاص داشت گفت: انتظار داریم تا در سال آینده شاهد برخی امکانات آسایشی و رفاهی برای معلولان، مادران و کودکان در محیط آرامستان‌ها باشیم.
این عضو شورای اسلامی شهر قزوین تأکید کرد: سرویس بهداشتی متناسب برای استفاده افراد معلول و کودکان و اتاق مادر و کودک باید برای رفاه حال همه شهروندان و مراجعین به آرامستان‌ها در نظر گرفته شود.
اشدری همچنین خاطرنشان کرد: باید تمامی سازمان‌های شهرداری پیوست‌های مادر و کودک را در پروژه‌های خود لحاظ کنند.
وی در بخش دیگری از این جلسه، پیرامون بررسی بودجه سازمان نوسازی و بهسازی و ردیف احیای خانه‌های تاریخی اظهار کرد: طرح مسقف کردن و مرمت خانه شهید بابایی باید به طور جدی در مدیریت شهری قزوین پیگیری شود.
رئیس کمیسیون بانوان شورا با اشاره به توجه شهید بابایی به امر برپاداشتن نماز خاطرنشان کرد: امیدواریم تجهیزات مورد نیاز برای این خانه موزه فراهم شود و خانه این شهید بزرگوار تبدیل به مکانی برای برگزاری تمامی جشن‌های تکلیف دختران و پسران شود.
اشدری همچنین خواستار اختصاص تملک خانه شهید رجایی به عنوان یک شخصیت برجسته ومهم کشور شد و گفت: باید در ردیف‌های اعتباری سازمان نوسازی و بهسازی تملک خانه شهید رجایی مدنظر قرار گیرد و اقدامات اجرایی آن توسط این سازمان انجام شود.
این عضو شورای اسلامی شهرقزوین در بخش دیگری از این جلسه که به بررسی بودجه سازمان تاکسیرانی اختصاص داشت، گفت: این سازمان باید در بحث گردشگری و آموزش‌های مربوطه به تاکسیرانان درحوزه ارتباط مناسب با گردشگران در سال بعد برنامه‌ریزی کند.
وی با بیان اینکه کمیسیون بانوان طرح گردشگری مادر و کودک در باغستان را با همراهی سازمان باغستان سنتی اجرایی کرده که مورد استقبال مدارس و خانوادها قرار گرفته است، تصریح کرد: علیرغم اینکه سازمان باغستان سنتی خودروهای خوب و سالم در اختیار مدارس قرار می‌دهد اما لازم است برای تأمین تاکسی، ون یا مینی‌بوس شکیل و زیبا منقوش به حوزه گردشگری باغستان سنتی و قزوین شناسی مورد نیاز برای حمل ونقل کودکان از مدارس ردیف بودجه‌ای را دراین سازمان برای تداوم در اجرای کیفی این طرح در نظر بگیریم.

در جلسه کمیسیون خدمات شهری شورای اسلامی شهر قزوین صورت گرفت؛

بررسی ردیف های بودجه سازمان‌های حوزه خدمات شهری و شهرسازی شهرداری

جلسه کمیسیون شهرسازی و خدمات شهری شورای اسلامی شهر قزوین با هدف بررسی بودجه سال آینده سازمانهای حوزه خدمات شهری و شهرسازی شهرداری در تالار مردم این نهاد تشکیل جلسه داد.
به گزارش روابط عمومی شورای اسلامي شهر قزوین؛ جلسه کمیسیون شهرسازی و خدمات شهری شورای اسلامی شهر قزوین به ریاست محسن حق‌شناس و با حضور کشاورز صفیئی نماینده شهردار، عمویی مدیرعامل سازمان آرامستان‌ها، اللهیاری رئیس سازمان ساماندهی مشاغل شهری و فرآورده‌های کشاورزی، صالحی مدیر عامل سازمان پارک‌ها و فضای سبز، منجم مدیر عامل سازمان زیباسازی، امینی مدیرعامل سازمان پسماند، حافظی مدیرعامل سازمان خدمات طراحی و موسی‌خانی مدیرعامل سازمان آتش‌نشانی شهرداری قزوین و با هدف بررسی جزییات بودجه سازمان‌های حوزه خدمات شهری در تالار مردم این نهاد برگزار شد.
به گفته حق‌شناس، در ابتدای این جلسه ردیف‌های بودجه‌ای سازمان ساماندهی مشاغل شهری و فرآورده‌های کشاورزی با اعتبار کلی ۳۱ میلیارد و ۴۰۰ میلیون تومان از جمله طراحی بازارهای روز و میادین، پروژه ایجاد میادین میوه و تره بار محلی و ساماندهی بازارها، مجتمع خدماتی و کارگاهی بیدستان فاز اول، با حضور اللهیاری رئیس این سازمان مورد بررسی قرار گرفت و مقرر شد تا ردیف هوشمندسازی غرفه‌های میادین روز بازار به بودجه این سازمان افزوده شود.
در ادامه این جلسه، پس از گزارش عمویی مدیرعامل سازمان آرامستان‌ها، ردیف‌های بودجه این سازمان شامل؛ احداث و توسعه آرامستان‌ها، حفظ و نگهداری غسالخانه، ساخت قبور خانوادگی در بهشت فاطمه و صدر، توسعه فضای سبز آرامستان‌ها، پروژه توسعه و محصور کردن آرامستان جدید کوثر مورد بررسی قرار گرفت و با پاره ای اصلاحات، افزایش بودجه این سازمان تأیید شد.
گفتنی است؛ بودجه سازمان پارک ها وفضای سبز شامل پروژه‌های توسعه و نگهداری فضای سبز شهری، بازپیرایی بوستان ها و تجهیز زمین بازی، احداث نهالستان در کیلومتر دو جاده بوئین زهرا، اجرای آب خام و تجهیز مخازن با حضور صالحی مدیر عامل سازمان پارکها و فضای سبز مورد بررسی قرار گرفت.
همچنین در بخش دیگری از این جلسه ردیف‌های بودجه سازمان زیبا سازی شامل ساماندهی میادین و معابر شهر، تهیه و نصب تابلوهای تبلیغاتی تزئینی و اطلاع رسانی، ایجاد و توسعه شبکه روشنایی، بهبود فضای شهری، بهبود نمای شهری، اجرای هنرهای شهری نگهداری تأسیسات و مبلمان شهری با حضور منجم مدیر عامل این سازمان بررسی شد و اصلاحاتی از جمله افزایش اعتبار در برخی ردیف‌ها صورت گرفت.

مهدی مهدی خانی در جلسه کمیسیون عمران، ترافیک و امور زیربنایی شورای اسلامی شهر قزوین مطرح کرد؛

لزوم تکمیل ساختمان نیمه کاره شهرداری قزوین

اعضای کمیسیون عمران، ترافیک و امور زیر بنایی شورای اسلامی شهر قزوین ضمن بررسی لوایح و نامه‌های واصله شهرداری در حوزه عمران، بر لزوم تکمیل ساختمان نیمه کاره شهرداری تأکید کردند.
به گزارش روابط عمومی شورای اسلامي شهر قزوین؛ جلسه کمیسیون عمران، ترافیک و امور زیربنایی شورای اسلامی شهر قزوین به ریاست مهدی مهدی خانی و با حضور اعضا و همچنین عرشیان معاون حمل ونقل و ترافیک شهرداری، تقوی مدیر عامل سازمان اتوبوسرانی، وثوق‌نیا مدیر عامل سازمان تاکسیرانی، نقدی معاون عمرانی منطقه سه، زندیان کارشناس معاونت عمرانی، ذوالقدر کارشناس بودجه و با هدف بررسی لوایح مربوطه شهرداری در حوزه عمران در تالار مردم این نهاد برگزار شد.
به گفته مهدی مهدی‌خانی، بررسی لایحه اخذ پیمانکار برای تکمیل ساختمان شهرداری مورد بحث و بررسی قرار گرفت؛ همچنین اعضای کمیسیون بر لزوم تسریع در اجرای این پروژه تأکید کردند.
در ادامه جلسه بررسی لایحه تعیین تکلیف اتوبوس های اسکانیا نیز با حضور تقوی مدیر عامل سازمان اتوبوسرانی مورد بررسی و موافقت قرار گرفت.
همچنین لایحه خرید دیوار پیش ساخته برای پارکینگ ناحیه دانش و ناصرآباد نیز از دیگر لوایحی بود که با حضور عرشیان معاون حمل و نقل و ترافیک و وثوق نیا مدیر عامل سازمان تاکسیرانی مورد بحث و بررسی قرار گرفت و مقرر شد تا برآورد و نقشه اجرایی این پروژه به شورا ارائه شود.

صلح‌جو رییس کمیسیون املاک شورای اسلامی شهرقزوین تاکید کرد؛

توزیع عادلانه امکانات و خدمات شهری درقزوین

رییس کمیسیون املاک شورای اسلامی شهرقزوین گفت: شهرداری قزوین در توزیع و ارایه امکانات و خدمات شهری رعایت عدالت را درهمه مناطق شهری مدنظر قرار دهد.
به گزارش روابط عمومی شورای اسلامی شهرقزوین؛ حسین صلح جو در جریان روند بررسی بودجه پیشنهادی سازمان های شهرداری قزوین خواستار توزیع عادلانه امکانات وخدمات شهری در تمامی نقاط شهر شد و گفت: برخی از نقاط جنوبی شهرمخازن زباله خوبی ندارند در حالی که به نظر می رسد مخازن زباله نو در نقاط برخوردار شهر استفاده می شود.
وی افزود: شهروندان قزوین و مناطق منفصل شهری در پرداخت عوارض شهری یکسان هستند و لازم است تا شهرداری نیز در ارایه خدمات شهری رعایت عدالت را در ارایه خدمات به تمامی نقاط در نظر بگیرد.
صلح‌جو همچنین در ادامه جلسه در طرح دیدگاه خود پیرامون بودجه سازمان آرامستان های شهرداری گفت: لازم است تا این سازمان به وضعیت مبلمان فضای آرامستان و ایجاد فضای آرامش و آسایش مراجعه کنندگان توجه نماید و مانند فضای بوستان ها شرایط خوبی را برای افرادی که به مزار اهل قبور می آیند فراهم نماید.
رییس کمیسیون املاک شورای اسلامی شهرقزوین در بخش دیگری از جلسه پیرامون ردیف بودجه احیای خانه‌های تاریخی و خانه موزه ها دربودجه سازمان نوسازی وبهسازی شهرداری گفت: صرفا تملک واحیای این مکان های تاریخی صحیح نیست بلکه باید در ادامه مسیر نگهداری، شرایطی از قبیل استقرار مدیر برای مکان وهمچنین نمایش آثار مربوط به سابقه مکان و یا آثار برجای مانده از شهدا نیز فراهم شود.

تقوی:

خانه‌های فرهنگ و فرهنگسراها تحول را در دستور کار خود قرار دهند

جلسه کمیسیون فرهنگی، اجتماعی و ورزشی شورای اسلامی شهر قزوین با هدف بررسی لوایح مربوطه، تخصصی شدن فرهنگسراها و راه‌اندازی موزه خوشنویسی در سرای سعدالسطنه قزوین در تالار مردم این نهاد برگزار شد.
به گزارش روابط عمومي شورای اسلامي شهر قزوین؛ جلسه کمیسیون فرهنگی، اجتماعی و ورزشی شورای اسلامی شهر قزوین به ریاست قاسم اللهیاری و با حضور مهری السادات تقوی، رییس سازمان فرهنگی ورزشی، مدیرعامل سازمان نوسازی و بهسازی، مدیرعامل سازمان زیباسازی شهرداری و با هدف بررسی لوایح مربوطه و تخصصی شدن فرهنگسراها و راه‌اندازی موزه خوشنویسی در سعدالسلطنه در تالارمردم این نهاد برگزار شد.
مهری السادات تقوی دبیر این کمیسیون در این جلسه با تأکید بر ایجاد خلاقیت و نوآوری در برنامه‌های فرهنگسراها و خانه‌های فرهنگ شهرداری خاطرنشان کرد: به نظر می‌رسد هیچ خلاقیت و اقدام نوآورانه‌ای در برنامه‌های خانه فرهنگ و فرهنگسراها وجود ندارد و این مراکز با همان روال و فعالیت‌های قدیمی کار می کنند.
وی بر لزوم ایجاد خلاقیت در فرهنگسراها تأکید کرد و گفت: ایجاد تحول می‌تواند به حضور پررنگ مردم در این مراکز نیز منجر شود و شور و حال جدیدی وارد این عرصه کند.

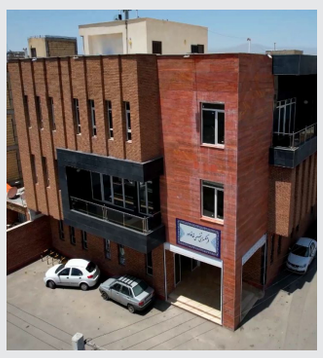

جانمایی هزار نقطه در شهر قزوین برای تبلیغات انتخاباتی

منجم، مدیرعامل سازمان زیباسازی شهرداری قزوین گفت: ۱۰۰۰ نقطه در شهر قزوین برای تبلیغات انتخاباتی کاندیداها در نظر گرفته شد.
به گزارش روابط عمومی سازمان زیباسازی شهرداری قزوین؛ علیرضا منجم اظهار کرد: در راستای فراهم کردن بستر حضور پرشور مردم در انتخابات، این سازمان اقدام به جانمایی و نصب سازه‌های تبلیغاتی در نقاط مختلف شهر کرد.
وی افزود: این داربست‌ها همراه با گونی‌ها آبی در مکان‌های پرتردد مانند تقاطع‌ها و میادین اصلی شهر جانمایی شده تا پوسترهای مدنظر کاندیداها روی آن نصب شود.
مدیرعامل سازمان زیباسازی شهرداری قزوین اضافه کرد: همچنین این سازمان اقدام به نصب ۸۰۰ متر بنر روی دیوارهای بلااستفاده برای تبلیغات کاندیداها و چسباندن پوسترها و تراکت‌ها کرده بود.
وی ادامه داد: نصب سازه‌های فلزی به صورت عادلانه در نواحی منفصل شهری از جمله شهرک دانش، ناصرآباد، شفیع‌آباد، چوبیندر، وثوق‌آباد، اسماعیل‌آباد، خیرآباد و... نیز با هدف آگاهی بخشی مردم نصب شد.
وی توضیح داد: جانمایی سازه‌های تبلیغاتی در راستای حفظ و آراستگی منظر شهری و پیشگیری از آلودگی‌های بصری انجام شد.
مدیرعامل سازمان زیباسازی شهرداری قزوین همچنین از کاندیداها و طرفدارانی که قوانین را در طول هفته تبلیغات رعایت کردند تشکر کرد.

۲۰ مورد از تابلوهای غیرمجاز اصناف در خیابان خیام جمع‌آوری شد

مدیرعامل سازمان زیباسازی شهرداری قزوین از جمع آوری ۲۰ مورد تابلوهای غیرمجاز اصناف در خیابان خیام خبر داد.
به گزارش روابط عمومی سازمان زیباسازی شهرداری قزوین؛ علیرضا منجم افزود: سد معبر و زوائد بصری علاوه بر نقض حقوق شهروندی، سلامت روان و زیبایی شهر را دچار اختلال می‌کند.
وی اظهار داشت: به منظور صیانت از حقوق شهروندی و حذف نازیبایی های بصری، طرح جمع‌آوری تابلوهای غیرمجاز اصناف در خیابان خیام اجرایی شد.
منجم افزود: در راستای استقبال از بهار و ارتقای زیبایی بصری و همچنین حذف ناهنجاری‌های محیطی و ایمن شدن پیاده روها برای تردد عابران پیاده، طرح جمع آوری تابلوهای غیرمجاز اصناف در سایر خیابان‌ها هم اجرا می شود.
منجم با بیان اینکه جمع آوری تابلوهای غیرمجاز پس از چندین بار اخطار به کسبه انجام شده است، گفت: پس از چند مورد صدور تذکر و اخطار کتبی به صاحبان اصناف، به وسیله یک دستگاه جرثقیل نسبت به جمع‌آوری تابلوهای غیرمجاز در خیابان خیام اقدام شد.

مدیرعامل سازمان پارک ها و فضای سبز شهرداری:

طرح بازآفرینی بوستان دهخدا بدون وقفه ادامه دارد

صالحی، مدیرعامل سازمان پارک ها و فضای سبز شهرداری گفت: عملیات عمرانی تخریب جداول شکسته و فرسوده بوستان دهخدا و نصب جداول جدید در این بوستان آغاز شده است.
وی افزود: این عملیات در ادامه طرح بازآفرینی در این تفرجگاه قدیمی و مورد علاقه شهروندان در دستور کار قرار گرفته که در ادامه با تکمیل دیگر اقدامات زیرساختی، احیای این بوستان و بازگشت رونق گذشته را شاهد خواهیم بود.
این مسوول اظهار کرد: در اجرای طرح بازآفرینی این بوستان، جایگذاری و نوسازی مبلمان پارکی، نورپردازی، بهسازی تأسیسات آب‌نما، راه‌اندازی آبخوری، احداث باغچه طولی و کاشت جدید، رنگ آمیزی نرده های پیرامونی، پیرایش درختان، بازپیرای فضای سبز و پروژه ایجاد زیرساخت های تامین شبکه روشنایی بوستان در دست اجرا قرار دارد.
صالحی در پایان تصریح کرد: با اجرای کامل این موارد، علاوه بر خدمات‌دهی مطلوب به شهروندان، زیبایی سیما و منظر شهری در بوستان و بلوار شهید بهشتی به شدت ارتقاء می‌یابد.

پاکسازی بوستان‌ها از معضل فیلترسیگار

به گزارش روابط عمومی سازمان پارک‌ها و فضای سبز شهرداری قزوین؛ پسماند بسیار خطرناک فیلتر سیگار به طور روزانه و مستمر از سطح بوستان ها جمع‌آوری شد.
بر پایه این گزارش؛ متأسفانه برخی از شهروندان، ته سیگار خود را در محیط شهر و به ویژه بستر فضای سبز رها می‌کنند که این اقدام علاوه بر ایجاد منظره زشت، به دلیل وجود ماده سمی در فیلتر سیگار، آلودگی محیط زیست و آسیب به فضای سبز را به همراه دارد.
لازم به ذکر است؛ جمع‌آوری فیلتر سیگار از لابه لای گیاهان و بستر چمن به سختی توسط باغبانان انجام می‌شود.

صباغی شهردار قزوین:

ابلاغ نقشه‌های طرح تفصیلی جدید قزوین و دفترچه ضوابط و مقررات ساخت و ساز جهت اجرا به مناطق چهارگانه

شهردار قزوین از ابلاغ نقشه‌های طرح تفصیلی توسعه شهر قزوین و دفترچه ضوابط و مقررات ساخت و ساز ، جهت اجرا به مناطق چهارگانه شهرداری قزوین توسط معاونت شهرسازی و معماری خبر داد.
به گزارش روابط عمومی شهرداری قزوین؛ مهدی صباغی در این خصوص افزود: تهیه طرح تفصیلی جدید در معاونت شهرسازی و معماری بعد از تصویب طرح جامع در شورای عالی شهرسازی و معماری ایران در سال ۱۳۹۴ آغاز شد و این طرح مرحله به مرحله بر اساس مناطق مورد بررسی قرار گرفت و از سال ۱۳۹۶ بررسی و تصویب آن در کمیسیون ماده ۵ آغاز شد و با تأیید نهایی در بهمن ۱۴۰۲، طرح جهت اجرا توسط استانداری قزوین به شهرداری قزوین ابلاغ شد.
وی خاطرنشان کرد: رویکرد اصلی در طرح تفصیلی جدید شهر قزوین رعایت چارچوب طرح جامع و مصوبات بالادست است.
شهردار قزوین در ادامه هدف از تهیه طرح تفصیلی جدید شهر قزوین را تسریع در فرآیند ساخت و ساز و اقتصادی نمودن طرح های شهری به نفع شهروندان و سازندگان ذکر کرد.
وی تصریح کرد: همچنین در این طرح، ضوابط تشویقی برای ساخت و ساز و تولید مسکن در مناطق جدید پیش بینی شده است.
صباغی با بیان اینکه ضوابط ساخت و ساز با توجه به شرایط جدید به روز رسانی شده است، افزود: همه فضاهای شهری و سرانه‌ها در طرح جدید حفظ و حتی نسبت به طرح جامع نیز بیشتر شده است.
شهردار قزوین در ادامه گفت: همچنین در این طرح کاربری های خدماتی و تجاری راسته‌ها و محورهای اصلی عملکردی و فعالیتی شناسایی شده و ضوابط ویژه ای برای محورها در نظر گرفته شده است.

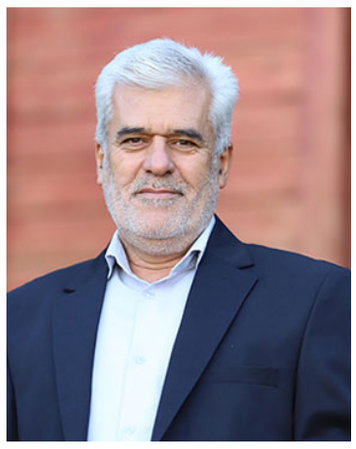

این مقام مسوول در پایان تصریح کرد: در این طرح، تراکم جمعیتی در سطح شهر بر اساس شاخص‌های ترافیکی و سرانه های شهری توزیع و محدوده باغات سنتی حفظ شده است.

تجربه موفق طرح شناسایی و اصلاح رفتار رانندگان پرخطر شهرقزوین

در سی و چهارمین نشست معاونین حمل ونقل و ترافیک مجمع شهرداران کلانشهرهای کشور به اشتراک گذاشته شد.
به گزارش روابط عمومی معاونت حمل و نقل و ترافیک شهرداری قزوین؛ عرشیان معاون حمل و نقل و ترافیک شهردار در این نشست که ۲۶ بهمن سال جاری، طی دو روز به میزبانی شهرداری اهواز برگزار شد، گزارشی از روند تصویب و اجرایی شدن طرح شناسایی و اصلاح رفتار رانندگان پرخطر این شهر ارائه کرد.
وی در این نشست گفت: این طرح با هدف کنترل و پیشگیری از وقوع سوانح رانندگی، پس از تصویب در شورای ترافیک استان به تصویب نهایی شورای پیشگیری از وقوع جرم استان قزوین رسید.
عرشیان با اشاره به تشکیل کارگروه ویژه طرح شناسایی و اصلاح رفتاررانندگان پرخطر، افزود: این کارگروه به منظور راهبری، نظارت و پایش برنامه‌های طرح مذکور تشکیل شده است.
وی در ادامه، از تدوین شیوه‌نامه طرح شناسایی و اصلاح رفتار رانندگان پرخطر شهرقزوین، خبر داد و افزود: این شیوه‌نامه برای اولین بار در کشور توسط معاونت حمل و نقل و ترافیک شهرداری قزوین تدوین شد و پاییز امسال مورد تأیید و تصویب شورای ترافیک و شورای پیشگیری از وقوع جرم استان قزوین قرار گرفت.
عرشیان، افزود: راه‌اندازی بانک اطلاعات رانندگان پرخطر، ارسال پیامک هشدار، توقیف وسیله نقلیه و ضبط گواهینامه، پایش سلامت و برگزاری دوره آموزشی - توجیهی برای این رانندگان از جمله مواردی است که در شیوه نامه مذکور مورد نظر و توجه قرار گرفته است.
این مسئول اظهار داشت: بر اساس شیوه‌نامه مربوط، راننده پرخطر به راننده‌ای اطلاق می‌شود که حداکثر طی سه ماه مرتکب بیش از دو تخلف خطرناک رانندگی شده باشد، خلافی وسیله نقلیه بیش از سی میلیون ریال بوده و یا طی شش ماه در یک فقره تصادف فوتی یا جرحی، مقصر حادثه باشد.
وی افزود: بر اساس این تعریف، ۳۱ خودرو که رانندگان آنها طی ماه‌های مهر تا آذر امسال مرتکب بیشترین تعداد تخلف خطرناک رانندگی در شهر قزوین شده بودند، شناسایی و با دستور مقام قضایی، وسیله نقلیه آنها توقیف شد.
عرشیان در پایان در خصوص برگزاری اولین کارگاه آموزشی-توجیهی برای رانندگان خودروهای توقیفی مذکور در بهمن ماه سال جاری توضیحاتی ارائه داد و گفت: این رانندگان با شرکت در این کارگاه، نسبت به پیامدهای رفتارهای خطرناک رانندگی خود آگاه شدند و معتقد بودند که اجرای طرح شناسایی و اصلاح رفتار رانندگان پرخطر تا حد زیادی می‌تواند در برقراری نظم و امنیت عمومی و پیشگیری از حوادث تلخ رانندگی موثر باشد.

در چهارمین نشست از سلسله نشست‌های تخصصی بازآفرینی شهری مطرح شد؛

مسیر گردشگری شهر تاریخی قزوین زمینه‌ساز حفاظت پویای این شهر می‌شود

چهارمین نشست از سلسله نشست‌های تخصصی بازآفرینی شهری با محوریت «حفاظت پویا در شهر تاریخی، تجربه مسیر گردشگری در بافت تاریخی قزوین» به صورت وبینار با سخنرانی دکتر احسان دیزانی، دکتری تخصصی مرمت و احیای بناها و بافت‌های تاریخی، برگزار شد.
به گزارش روابط عمومی معاونت شهرسازی و معماری شهرداری قزوین؛ دیزانی در این نشست با اشاره به مسیر گردشگری در بافت شهری تاریخی قزوین گفت: شهر قزوین همراه با تعدد آثار تاریخی ثبتی و توجه مجامع علمی به این شهر نشان داده همواره از پتانسیل‌های بالای گردشگری برخوردار است.
وی بیان کرد: شهرداری قزوین به عنوان بزرگ‌ترین سرمایه‌گذار در صنعت گردشگری شهر در پی بهره‌برداری از این ظرفیت بالای گردشگری است.
این کارشناس اضافه کرد: امروزه صنعت گردشگري به‌عنوان يكي از محورهاي اصلي توسعه پايدار موردتوجه قرارگرفته، براي شهر و استان قزوين نيز حائز اهميت بوده و در كليه اسناد فرادست شهر قزوين اين مساله مورد تأكيد قرارگرفته است.
وی تصریح کرد: تعریف مسیر گردشگری راهکاری است برای حفاظت پویا از بافت شهری تاریخی که در بروکراسی های مدیریت شهری و به ویژه سازمان میراث فرهنگی به‌طور فزاینده شاهد نابودی تدریجی ثروت‌های فرهنگی-تاریخی شهری هستیم.
دیزانی با تصریح اینکه شهر قزوین به عنوان مأمن بیشترین آثار تاریخی ثبتی در کشور حائز اهمیت است، افزود: قرارگیری پراکنده این آثار با ارزش ملی در شهر قزوین و عدم پیوستگی فضایی و کالبدی آن‌ها با یکدیگر در شهر موجب مغفول ماندن بسیاری از این آثار از چشم مردم شهر و گردشگران شده است.
وی افزود: عدم توجه به منظر آثار تاریخی در شهر، اغتشاشات بصری و تجاوز به محدوده آثار در کنار عدم معرفی مناسب این بناهای با ارزش برای مردم و گردشگران موجب شد تا برنامه‌ریزی برای تعیین مسیرهای گردشگری در شهر قزوین در دستور کار سازمان‌های مرتبط قرار گیرد.
این مسوول ادامه داد: مسیر گردشگری شهر قزوین، محور فرهنگی تاریخی شهر است که از هسته تاریخی شهر شروع شده با طی محور خیابان(خیابان سپه) به محدوده مرکزی شهر (دولتخانه صفوی) و در ادامه با طی محلات شمالی شهر تاریخی به دروازه «درب کوشک» می‌رسد.
دیزانی در پایان خاطرنشان کرد: این پروژه گامی اجرایی در آغاز احیای شهر تاریخی قزوین به شمار می‌رود، چراکه اقدام به تعریف اولین مسیر گردشگری در مهم ترین مسیر بافت تاریخی قزوین شروعی بر ایجاد دیگر مسیرهای گردشگری و در نهایت احیای کامل بافت تاریخی شهر است.

اولین جلسه ستاد استقبال از نوروز منطقه یک شهرداری قزوین برگزار شد

مدیر منطقه یک شهرداری قزوین از تشکیل اولین جلسه ستاد استقبال از نوروز با حضور معاونین و روسای نواحی و واحدهای منطقه یک خبر داد.
به گزارش روابط عمومی منطقه یک شهرداری قزوین؛ سید مهدی حاجی سید رضی در این خصوص افزود: در حوزه های مختلف عمرانی، ترافیکی، خدمات شهری و فضای سبز اقدامات گسترده‌ای تا قبل از فرارسیدن عید نوروز و پایان سال جاری با همکاری سازمان‌های وابسته به شهرداری و با هماهنگی معاون محیط زیست و خدمات شهری منطقه یک تدارک دیده شده است تا فضا جهت استقرار مهمانان نوروزی و بهار به خوبی فراهم شود.
سید رضی در ادامه خاطرنشان کرد: یکی از اقدامات مهم و اساسی در حوزه عمرانی، مرمت پیاده رو، تعویض جداول فرسوده و آسفالت معابر ورودی شهر است که هم اکنون از سوی معاونت عمرانی شهرداری منطقه یک در حال انجام است.
این مسوول اظهار داشت: بهسازی سرویس‌های بهداشتی و احداث سرویس بهداشتی جدید، لغو صدور مجوز حفاری و لکه‌گیری و آسفالت حفاری‌های انجام شده از دیگر فعالیت‌های مجموعه شهرداری منطقه یک است که تا پایان سال جاری در دستور کار این مجموعه قرار دارد.
سید رضی در پایان گفت: مجموعه شهرداری منطقه یک تمام تلاش خود را جهت رفاه حال شهروندان و ایجاد یک سفر خاطره انگیز و خاطره خوش برای مسافران نوروزی با اجرای پروژه‌های خدماتی به کار خواهد گرفت.

مدیرعامل سازمان اتوبوسرانی شهرداری قزوین خبر داد؛

خط‌کشی و رنگ‌آمیزی ایستگاه‌های اتوبوس شهرک دانش، ناصرآباد و امیدیه قزوین

مدیرعامل سازمان اتوبوسرانی شهرداری قزوین گفت: ایستگاه‌های اتوبوس شهرک دانش، امیدیه و ناصر آباد شهر قروین توسط اکیپ‌های سازمان اتوبوسرانی شهرداری خط‌کشی و رنگ‌آمیزی شد.
به گزارش روابط عمومی سازمان اتوبوسرانی شهرداری قزوین؛ سید محمد مهدی تقوی با اعلام این خبر افزود: به‌منظور ایجاد شرایط هرچه بهتر در خدمات‌رسانی به شهروندان و زیباسازی معابر شهری، سازمان اتوبوسرانی اقدام به مرمت، بازسازی و رنگ‌آمیزی ایستگاه‌های اتوبوس در مناطق ناصرآباد و امیدیه کرده است.
این مسوول در ادامه هدف از اجرای این عملیات را زیبایی منظر شهری، سهولت در استفاده از ایستگاه‌های اتوبوس، همچنین کسب رضایت شهروندان عنوان کرد.
وی در خاتمه گفت: پارک هرگونه خودرو با وسیله نقلیه شخصی دیگر در درون حریم این خط‌کشی تخلف محسوب می‌شود چرا که توقف خودروهای شخصی در ایستگاه‌های اتوبوس موجب کندی ترافیک و مسدود شدن مسیر و تصادف می‌شود.

صباغی شهردار قزوین خبر داد:

ارتقاءِ سامانه یکپارچه شهرسازی قزوین با رویکرد ایجاد شفافیت و پاسخگویی برای مقابله با فساد

شهردار قزوین از افزایش ارائه خدمات به شهروندان به صورت شهروند محور، شفاف‌سازی و کاهش فساد با ارتقاء سامانه یکپارچه شهرسازی شهرداری قزوین از نسخه ۸ به ۱۰ خبر داد.
به گزارش روابط عمومی معاونت شهرسازی و معماری شهرداری قزوین؛ مهدی صباغی با اعلام اینکه به زودی سامانه یکپارچه شهرسازی شهرداری قزوین ارتقاء پیدا خواهد کرد، بیان کرد: با ارتقای این سامانه، شهروند در هر مرحله از گردش کار پرونده خود در شهرسازی، به صورت پیامکی و یا مراجعه به کارتابل شخصی خود از روال پرونده مطلع خواهد شد و این روال به طور قطعی بحث شفاف‌سازی را به همراه دارد.
وی افزود: مشاهده رأی‌های صادره کمیسیون ماده صد به صورت آنلاین، پرداخت الکترونیکی فیش‌های صادره در مرحله درآمد، ارتباط الکترونیکی با سایر ادارات و سازمان ها، راه‌اندازی وب سرویس‌ها و صدور مجوزات صادره توسط خود شهروند از امکانات این سامانه شده است که امکان ارائه خدمات بهتر به شهروندان را در پی خواهد داشت.
شهردار قزوین تصریح کرد: ارتقای این سامانه با رویکرد ایجاد شفافیت و پاسخگویی برای مقابله با فساد و ارتقای سلامت اداری در سال ۱۴۰۳ نهایی خواهد شد.

صدور پروانه ساخت و پایان کار برای نوسازی هادی‌آباد رایگان شد

مدیر منطقه ۴ شهرداری قزوین از آغاز ساخت ۳۳۰ واحد مسکونی به صورت مشارکت با بنیاد مسکن در قالب اجرای طرح بازآفرینی شهری در محله هادی‌آباد خبر داد و گفت: صدور پروانه و پایان کار برای نوسازی پایان کار رایگان شده است.
به گزارش روابط عمومی منطقه چهار شهرداری قزوین؛ داریوش قاسمی اظهار کرد: محله هادی‌آباد ۵۸ هکتار وسعت دارد که با ارائه بسته‌های تشویقی در صدد ترغیب مردم به ساخت و ساز و احیای بافت‌های فرسوده هستیم.
وی اضافه کرد: در حال حاضر ۴ هکتار توسط شهرداری تملک شده که قبلا ۲ هکتار از آن در قالب ۳۶۰ واحد مسکونی در ضلع غرب ساخته شده و در طرح جدید شامل ۲۶۵ پلاک ملکی است که ۲۵۵ پلاک آن تملک شده و قرار است در این منطقه ۳۳۰ واحد مسکونی با مشارکت بنیاد مسکن ساخته شود.

مدیرعامل سازمان زیباسازی شهرداری قزوین خبر داد؛

پاکسازی و رنگ آمیزی ۳۵۰ متر از دیوارهای محله شهید نواب صفوی

مدیرعامل سازمان زیباسازی شهرداری قزوین از پاکسازی و رنگ آمیزی۳۵۰ متر از دیوارهای محله شهید نواب صفوی خبر داد.
به گزارش روابط عمومی سازمان زیباسازی شهرداری قزوین؛ علیرضا منجم اظهار کرد: در راستای استقبال از بهار و زیباسازی دیوارهای قدیمی در سطح شهر و پاکسازی آلودگی‌های بصری، اجرای پاکسازی و رنگ‌آمیزی دیوارهای فرسوده از محلات جنوب شهر قزوین آغاز شده است.
وی افزود: با توجه به وجود دیوارهای قدیمی بدمنظر در برخی معابر و محلات، سازمان زیباسازی هر سال و در آستانه سال جدید نسبت به پاکسازی و رنگ آمیزی این دیوارها اقدام می کند.
منجم با بیان اینکه اجرای طرح پاکسازی و رنگ آمیزی دیوارهای شهر از جمله راهکارهای رفع آشفتگی و ناهنجاری‌های بصری است تصریح کرد: هدف از این اقدام آراستگی سیما و منظر شهری و جلوگیری از یکنواختی محیط و ایجاد روحیه نشاط و شادابی برای شهروندان است.

پیام شهر قزوین
شنبه ۱۹ اسفند ماه ۱۴۰۲
۲۸ شعبان ۱۴۴۵
شماره ۳۹۳

راست گفتی هنر یتیمی بود، فرد مانده ز مادر و ز پدر

آینده خوشنویسی در هاله ای از ابهام

رومینا اسماعیلی پور

از نام های ماندگار در تاریخ خوشنویسی کشور و از مفاخر استان قزوین و کشورمان نام استاد احمد پیله چی است.

شخصی که در غیابش، چراغ هنر خوشنویسی کم فروغ می شد و تلاش های بی وقفه اش در راستای احیا و حفظ این هنر ارزشمند ملی بی بدیل است.

استاد پیله چی صحبت هایش را این گونه آغاز می کند؛ از ۵ سالگی خواندن و نوشتن را در منزل آموختم. در همان سن تمرینات خوشنویسی من با همراهی برادر و پسرعمویم که خط می نوشتند شروع شد. در دوران ابتدایی معلمان خوبی در خوشنویسی داشتیم و من بهترین شاگرد خوشنویسی مدرسه بودم. در سال ۱۳۵۳، استادی به نام مرحوم سید علی رفیع قزوینی، برادر علامه بزرگ رفیعی قزوینی که مشهور آفاق هستند، معلم خط مدرسه راهنمایی من شدند. سید علی رفیع قزوینی کلوب های خوشنویسی ای دایر کرده بود که من پنج شنبه ها در آن حاضر می شدم. می توان گفت که رسما ورود من به کلاس خوشنویسی در همین سال و نزد استاد علی رفیع قزوینی رقم خورد.

در دوران دبیرستان رشته ریاضی و فیزیک خواندم و دیپلم ریاضی دارم. مدتی هم در دانشگاه علامه طباطبایی زبان فرانسه خواندم. با توجه به فعالیت های هنری ای که داشتم، خیلی زود دریافتم که علاقه ای به این رشته ندارم و از تحصیل انصراف دادم و گفتم یا ادبیات فارسی می خوانم که با حرفه ام مرتبط است و یا هیچ ...

در دانشگاه بین المللی امام خمینی(ره) پذیرفته شدم و تا مقطع کارشناسی زبان و ادبیات فارسی خواندم. تا پیش از این هم تا حدودی تحصیلات حوزوی در حوزه علمیه قزوین به عنوان طلبه آزاد، نه رسمی داشتم. در حال حاضر که در اینجا حضور دارم، حاصلی از تحصیلاتی هستم که در خوشنویسی کسب کرده ام. سعی می کنم عبارات و جملات مناسب را برای خوشنویسی انتخاب کنم تا افرادی که کارم را می بینند، متوجه شوند که چه می نویسم.

• ادبیات آمیخته با هنر خوشنویسی و ظرف آن است

حتما یک هنرمند خوشنویس باید در ادبیات فارسی توانمند باشد، در غیر این صورت مانند قاری ای می ماند که قرآن را به زیبایی هرچه تمام تر تلاوت می کند اما معنای آن را متوجه نمی شود.

استاد پیله چی، درباره دوران کسب هنر خوشنویسی اش توضیح می دهد: در سال ۱۳۵۴ مطلع شدم که کلاس انجمن خوشنویسان در قزوین توسط استاد مرحوم ابوالحسن محصص مستشاری دایر شده است؛ با علاقه بسیاری در کلاس خوشنویسی ایشان ثبت نام کردم.

حدوداً بعد از گذشت یک سال مدرس انجمن خوشنویسان قزوین شدم.

۳ سال در خدمت استاد مستشاری بودم. بعد از آن در سال ۱۳۵۷ آوازه و شهرت استاد خوشنویسی ایران غلامحسین امیرخانی پیچیده بود. بسیار مشتاق بودم که در کلاس های ایشان شرکت کنم. به همین خاطر در دوره دبیرستان با جمع کردن پول های تو جیبی به این کلاس ها می رفتم. آن زمان در یک کلاس استاد کیخسرو خروش و استاد امیرخانی هم زمان تدریس داشتند. در جلسه اول، ابتدا من آثارم را به استاد خروش نشان دادم و ایشان شروع به تعریف و تمجید کردند. زمانی که استاد امیرخانی وارد کلاس شدند، استاد خروش مرا صدا زدند تا پیش ایشان بروم. نمونه های خطم را به استاد نشان دادم و این استاد بزرگوار هم مرا تشویق کرده و مورد لطف خود قرار دادند.

مدتی هم شاگرد مکتب اساتید گذشته از جمله میرعماد حسن قزوین در عهد صفویه، میرزا غلام اصفهانی، میرزا کاظم، میرحسین کلهر و... بودم؛ به هر صورت؛ تمتع ز هر گوشه ای یافتم، ز هرخرمنی خوشه ای یافتم.

• خوشنویسی در خانواده ما موروثی است

علاقه من نیز از همین جا نشات می گیرد. استاد پیله چی از علاقه اش به خوشنویسی چنین توضیح می دهد: اجداد مادری من از عهد صفویه به علامه بزرگ مرحوم آقا سید رضی قزوینی بر می گردد. ایشان خوشنویس و صاحب تالیف بودند و ۱۷ جلد کتاب به یادگار گذاشتند. در عهد قاجاریه و سلطنت فتحعلی شاه، جد مادری ما به آقا شیخ محمد مایل می رسد. کتیبه های فاخری از ایشان در ایوان ضلع جنوبی مسجد جامع عتیق قزوین به یادگار مانده که مطلب و خوشنویسی آن، از آقا شیخ محمد مایل بوده؛ البته آثار دیگری از خوشنویسی ایشان در مساجد قزوین به صورت سنگ نبشته نیز موجود است.

مشوق بنده در این راه، علاوه بر وجود ریشه ای قدیمی در خط خوش خانواده، عمو و پدربزرگم بودند.

در سال ۱۳۶۸ آموزشکده ای به نام ملک محمد قزوین را دایر کردم که تا امروزه منشا خدمات بسیار ارزنده ای بوده و حاصل آن چند استاد تراز اول کشوری هستند که امروزه جز بهترین اساتید کشور محسوب می شوند.

• بیشتر فعالیت های من برون مرزی بوده

از استاد پیله چی می خواهم که از عناوین و افتخارات داخلی و خارجی که کسب کرده اند برایم بیشتر توضیح دهد: سعی کردم که در بیشتر نمایشگاه های داخل و خارج کشور شرکت کنم. حدود چند ده نمایشگاه داخلی در استان های متفاوت برگزار کردم. هم چنین وورک‌شاپ های بسیاری در خصوص خوشنویسی و سیاه مشق در مشهد و سایر استان ها داشتم. مجموعه دار آثار قدما هستم که قریب به ۴۰ سالی می شود که بهترین آثارشان را جمع آوری می کنم و در غالب کتابی به نام کِلکِ مسیحا، ۲۰ سال پیش توسط مجمع ذخایر قم به چاپ رساندم.

فعالیت های برون مرزی من شامل برگزاری دو نمایشگاه در پاکستان، برگزاری نمایشگاه اختصاصی در دبی به مدت ۲۱ روز، برگزاری نمایشگاه انفرادی در هامبورگ آلمان، حضور در نمایشگاه ۲۵۰۰ سال هنر و فرهنگ ایران در پاریس، برگزاری نمایشگاه در کشورهای اردن، انگلستان و...، حضور در هفته قرآنی در ماه مبارک رمضان در شهر استکهلم سوئد، حضور در اکسپوی ۲۰۱۰ شانگهای در کشور چین و برگزاری ورک‌شاپ خوشنویسی که استقبال بسیار خوب و ویژه ای از آن شد. همچنین در کشور تانزانیا در دهه کرامت رضوی و برگزاری وورک‌شاپ خوشنویسی و حضور در نمایشگاه های خوشنویسی کشور ترکیه و عراق و... حضور داشتم.

• داوری مسابقات داخلی کشور

بحث داوری جشنواره های بین المللی و داخلی را فراوان داشتم که مهم ترین آنها شامل؛ داوری های جشنواره بین المللی جوانان ایران، هفت دوره دوسالانه بین المللی خوشنویسی ایران، پنج دوره مشاوره هنری جشنواره دوسالانه بین المللی خوشنویسی و داور جشنواره صفیر مسجد کوفه در کشور عراق بودم.

استاد پیله چی در ادامه می گوید: قسمت دیگری از فعالیت های بنده شامل؛ آموزش خوشنویسی می شود که هنرمندان بسیاری را آموزش دادم. غریب به ۲۰ سال در انجمن خوشنویسان تهران آموزش می دادم. در حال حاضر مسوول کار گروه خوشنویسی حوزه هنری انقلاب اسلامی قزوین هستم و در هیچ جای دیگری به غیر آموزشگاه ملک محمد که خودم دایر کردم تدریس ندارم.

در زمانی که سن مسابقه بنده بوده در هر مسابقه شرکت می کردم و رتبه اول را هم کسب می کردم؛ که مهم ترین آنها جشنواره خوشنویسی جهان اسلام بود که برگزیده نخست خط نستعلیق شدم.

استاد پیله چی از فعالیت های دوران انقلاب تعریف می کند: جز ۱۰ هنرمند برجسته۸ سال دفاع مقدس بودم که موفق به دریافت لوح زرین دست خط امام خمینی شدم. تا به امروز هم سعی کردم قدم و قلم و نیتم در راه خیر و سلامت هنر خوشنویسی و مردم باشد. قسمت دیگری از فعالیت های بنده به چاپ آثار بر می گردد.

حدوداً ۴۰ سرمشق در اوایل انقلاب در روزنامه ولایت داشتم. کتابی را به نام سرخ و شهادت در جبهه های نبرد در زمان ۸ سال دفاع مقدس تحریر کردم و سال ها در خدمت برادران در جبهه های نور علیه باطل شرکت داشتم.

شعار نویسی های قبل از انقلاب در حکومت نظامی که شبانه انجام می گرفت، پلاکارد نویسی ها بعد از پیروزی انقلاب، کارهای مرتبط با شهدا، پس از آن هم حضور در قسمت فرهنگی و رزمی جبهه و.... از جمله فعالیت های من بود. به طور کلی سعی می کردم هم زمان و در هر دو جبهه نظامی و فرهنگی در خدمت مردم باشم.

• به عقیده خودم مهم ترین کاری که تا به حال انجام دادم بحث آموزشی است

اینکه توانستم در خدمت علاقه مندان و شیفتگان خوشنویسی باشم و عاشقانه نزدیک به ۵۰ سال است که این هنر را آموزش می دهم. قسمت اعظمی از هنرمندان استان قزوین و دیگر استان ها از هنرجویان بنده بودند که تعدادی از آنها به رتبه استادی رسیدند.

• رتبه استادی در خط نستعلیق

رتبه استادی در خط نستعلیق را نزدیک ۲۰ سالی می شود که به بنده اهدا کردند. هم چنین اولین نشان درجه یک هنری کشور را در استان دارم.

• ساخت ابزارآلات خوشنویسی

استاد پیله چی می گوید: سعی کردم تحقیق و پژوهش در ساخت و تولید انواع وسایل خوشنویسی داشته باشم که از جمله نتایج آن می توان به مرکب ملک محمد اشاره کرد که در ۴۰ سال گذشته مرکبی را در هماوردی و بهتر از آن سراغ ندارم. سال‌ها در ساخت کاغذ های دست ساز به تحقیق مشغول شدم که یکی از ابزارات بسیار مهم خوشنویسان تلقی می شود.

بیشترین تعداد کتیبه دست ساز استاد پیله چی در طول تاریخ استان قزوین، بیشترین کتیبه را در حال حاضر بنده در مساجد و اماکن متبرکه نوشته‌ام که شاخص ترین آنها ایوان جنوبی سالن امیرالمومنین(ع) در مسجد النبی(ص) است که به طول ۱۸ متر سنگ معرق کار شده است. همچنین در مسجد امام حسن عسگری(ع) واقع در شهرک کوثر که چندصد متر کتیبه مشتمل بر خط ثلث نسخ و نستعلیق بنده زینت داده شده است و ...

استاد پیله چی از سال های تدریس‌اش تعریف می کند: افتخار می کنم که در خدمت هنر خوشنویسی به صورت تمام وقت بوده ام. ۹ سال به عنوان استاد هنر و خوشنویسی در مرکز تربیت معلم شهید رجایی قزوین تدریس کردم؛ چند سال هم به عنوان استاد در دانشگاه بین المللی امام خمینی(ره) قزوین در خدمت دانشجویان خارجی که برای دوره دانش افزایی به ایران آمده بودند، کلاس خوشنویسی برگزار کردم .

• سعی کردم در طول این سال ها تمام وقت و انرژی ام را صرف اعتلا و رشد و مطرح شدن هنر شریف، اسلامی و ایرانی خوشنویسی کنم

استاد پیله چی در قیاس هنرخوشنویسی حال حاضر و اعصار گذشته می گوید: هنر خوشنویسی از جهات متعددی در گذشته رونق و کیفیت و رشد بیشتری داشته و از خیلی اوصاف دیگر، امروزه بهتر است .

به عنوان مثال از لحاظ کمیت و تعداد خوشنویسان خوب و برجسته امروزه هنرمندان با استعدادی داریم. اما آن اساتید برجسته و سرقله و بسیار بزرگ، کسانی بودند که در گذشته زندگی می کردند. بیشترین حرف را در خوشنویسی ما قدما زدند، ولی هنوز هم جایی برای پیشرفت بیشتر وجود دارد؛ از جمله در کتیبه نویسی، نقاشی خط و هنر گرافیک که می توانیم رشد بهتری داشته باشیم.

• از لحاظ محتوا و کیفیت، خوشنویسی ما رو به پیشرفت است

خطی که هنرمندان ما امروزه می نویسند از لحاظ سیر تکاملی و ساختار و اندام بیشترین تکامل را دارد، اما از لحاظ عیارهای موزه ای و جذبی و هنری شاید به پای دوره قاجار و حتی قبل از قاجار هم نرسیم.

بنده معتقدم که خوشنویسی هنری است که باید در منازل راه پیدا کند. در این راستا موفق شدم برای اولین بار و تنها در استان قزوین، آموزش تصویری خوشنویسی را به صورت خط خودکاری نستعلیق، خط خودکاری شکسته و خط قلمی نستعلیق را به همت صدا و سیما ضبط کنیم که امروزه در فضاهای مجازی قابل دسترس است و در پلتفرم های درون مرزی و برون مرزی هم پخش می شود و از کشورهای مختلف توانسته ام به جذب هنرجو بپردازم؛ از خوبی های این قبیل آموزش های مجازی ماندگاری ان برای آیندگان است.

همه چیز تناسب با زمانه پیش می رود. از وضعیت زندگی گرفته تا هنرمان... در زمان گذشته بحث تقوای روحی، اخلاق محوری و آداب و رسوم طبیعتاً بیشتر مطرح بوده و مورد توجه و سرلوحه زندگی هنرمندان خوشنویس قرار می گرفته است؛ هنرمندان بزرگ ما کسانی بودند که سال ها ریاضت و تلاش می کردند و اهل تقوا و یقین بودند و به زودی آثار خودشان را به اشتراک نمی گذاشتند. امروزه این مساله کمتر به چشم می خورد. یعنی خط ها فاقد آن جذابیت و معنویت و گیرایی لازم است در حالی که از لحاظ کثرت نسبت به گذشته پیشرفت بسیاری داشته ایم.

از طرفی این حجم از مدرک گرایی در گذشته مطرح نبوده و هنر خوشنویسی سینه به سینه به صورت کلاس های جمعی به علاقه مندان منتقل می شده و شباهتی به کلاس های امروزی نداشته؛ رابطه استاد و شاگرد بسیار فراتر از رابطه استاد و شاگردی امروزه بوده و به شکل پدر و فرزندی، رابطه مرید و مرادی مطرح بوده است.

آینده خوشنویسی روشن نیست

متاسفانه امروزه با توجه به شرایط اقتصادی، هنرمندان خوشنویس ما نه آن جایگاه واقعی و درخور مناسبی که باید داشته باشند را دارند و نه از لحاظ اقتصادی قدر و بهایی برای هنرشان تعریف می شود. تمامی این موارد دست به دست هم می دهد تا ما آینده هنر خوشنویسی را چندان روشن، پویا، سرزنده و سرحال نبینیم، مگر اینکه حمایتی از جانب مسوولین و علاقه مندان به اشاعه این هنر شود و به نحوی این هنرمندان را حمایت کنند که مقدمات تکثیر آنها فراهم شود تا بتوانند در آینده خوشنویسی را به مقام و جایگاه اصلی خودش برسانند.

• بسیاری از هنرمندان خوشنویسی را کنار گذاشتند

امروزه هنرمندانی که یک عمر برای این هنر عمرشان را صرف کردند و برای عمومی و همگانی شدن این هنر تلاش کردند، احساس می کنند که به عمری که برای این کار گذاشتند امروزه چندان توجه نمی شود و ایکاش به حرفه دیگری در کنار خوشنویسی مشغول می شدند تا از لحاظ اقتصادی و امرار معاش به سختی نیفتند. بسیاری از هنرمندان ما، هنر خوشنویسی خود را رها کردند؛ چرا که دیگر زمانه نمی پذیرد و این یک فاجعه تلقی می شود و اگر این وضع ادامه پیدا کند و مسوولین توجه لازم را نداشته باشند، ما در آینده هنرمندان فاخری را نخواهیم داشت. بنده امروزه اصلا به علاقه مندان توصیه نمی کنم که عمرشان را برای این هنر بگذارند و دست آخر دستاوردشان از لحاظ موقعیت اجتماعی به حداقل جامعه هم نرسد. بلکه می توان در کنار شغل دیگر به این حرفه پرداخت و اگر کسی قصد دارد تمام وقت روی این هنر کار کند یا باید گنج قارون داشته باشد یا پول فراوان...

• ما به حمایت همه جانبه مسوولین نیاز مندیم

البته منظور از حمایت مسوولین تنها مسائل اقتصادی نیست. بنده بارها مطرح کردم که اگر قزوین پایتخت خوشنویسی ایران شده است، حاصل زحمت چند صد سال هنرمندان برجسته و فعالیت های عاشقانه آنها بوده است و اگر در آینده چنین هنرمندانی نداشته باشیم، اصلا موضوعی ندارد که اسم خوشنویسی در قزوین مطرح شود؛ پیشنهاد می کنم که در درجه اول به هنرمند توجه و اهمیت کافی داده شود؛ هنرمند نیاز به فهمیده شدن و درک شدن دارد، پس از آن باید جایگاه متناسب خودش را داشته باشد. حداقل ترین کار این است که هنرمندان تراز اول در هر رشته ای شناسایی شوند و برایشان محمل و بستری فراهم شود تا بتوانند در هنرشان را ارتقا دهند و در مرحله دیگر هنرمندانی که برای آینده به حضورشان نیاز داریم را تربیت کنند. امروزه اگر هنرمندی قصد داشته باشد که فعالیتی داشته باشد کاملا بسته به همت خودش است و الا کسی به فکر گل ها نیست.

یکی دیگر از مسایل مهم این است که چرا باید در پایتخت خوشنویسی کشور، تابلوی ادارات و اماکن با خط بد نوشته شود. قزوین به عنوان پایتخت خوشنویسی ایران چه نمودی از خوشنویسی دارد؟ ما فاقد یک موزه هنرهای معاصر حداقل در بخش خوشنویسی هستیم. شهر ما فاقد یک مکان ارزنده برای رونمایی و به نمایش گذاشتن آثار است و هم چنان یک گالری و نگارخانه مناسب نداریم. چندین سال است که این مشکلات را مطرح می کنیم اما مسوولین پاسخگو نیستند و در نهایت به در بسته می خوریم؛ چندین و چند سال است که آثار هنرمندان در گالری ها به فروش نمی رسد و تنها نصیب آن تعریف تمجید حاضرین است.

هر کدام از هنرمندان خوشنویس ما نه تنها در استان، بلکه در سطح کشور ده‌ها تابلوی آماده خوشنویسی دارند که هرچند وقتی یکی از ارگان های به وقت نمایشگاه درخواست آثار می کند و بعد از تمام شدن آن دوباره به هنرمند بر می گردانند.

• به ندرت از هنرمنان آثار خوشنویسی خریداری می شود

پیشنهاد من این است که اگر مسوولین به این نتیجه برسند که چیزی به اسم هنر، جز ضرورت و از مسائل مورد نیاز جامعه است، به حکم عقل و ضرورت باید توجه کافی را به آن داشته باشند و برای حفظ و پیشبرد آن برنامه ریزی کنند. اگر هم که به چنین نتجیه ای نمی رسند هنرمندان تکلیف خودشان را بدانند.

برگزاری چند جشنواره کفایت نمی کند بلکه باید اقدامات جدی تری در این راستا صورت بگیرد تا هنرمندان عصر حاضر الگو و دلخوشی ای برای هنرمندان آینده باشند.

متاسفانه امروزه با توجه به شرایط اقتصادی، هنرمندان خوشنویس ما نه آن جایگاه واقعی و درخور مناسبی که باید داشته باشند را دارند و نه از لحاظ اقتصادی قدر و بهایی برای هنرشان تعریف می شود. تمامی این موارد دست به دست هم می دهد تا ما آینده هنر خوشنویسی را چندان روشن، پویا، سرزنده و سرحال نبینیم...

مشوق بنده در این راه، علاوه بر وجود ریشه ای قدیمی در خط خوش خانواده، عمو و پدربزرگم بودند.
در سال ۱۳۶۸ آموزشکده ای به نام ملک محمد قزوین را دایر کردم که تا امروزه منشا خدمات بسیار ارزنده ای بوده و حاصل آن چند استاد تراز اول کشوری هستند که امروزه جز بهترین اساتید کشور محسوب می شوند.

جنگ برای ما تمام نشده است

رومینا اسماعیلی پور

نام قهرمان، برای ما تداعی کننده شهیدان و جانبازان ۸ سال دفاع مقدس است؛ مصائب و سختی های بازماندگان که هیچ گاه به راحتی برایمان قابل درک و لمس نبوده است.
جوانانی که بی هیچ باکی، جان بر کف از مرز و هم وطنانشان دفاع کردند و جای خالی آنها در تک تک لحظات روزها و ساعت های می آیند و می روند حس می شود.
شاید بارها پیش آمده باشد که در خلوتمان از خودمان بپرسیم که آیا ما هم چنین شهامتی را خواهیم داشت؟ و تا چه اندازه حاضر هستیم که بر سرجان خود و زندگی عزیزانمان برای آرامش و رفاه اشخاصی که ندیدیمشان ریسک کنیم.
برای بسیاری، جنگ سال هاست که تمام شده است. بسیاری با دردهایشان خو گرفته اند و آن را جزئی از حالات روحی و یخشی از زندگی شان می دانند.
اما در برخی از خانه های این شهر جنگ هنوز تمام نشده است و هر روز با شدت و قدرت بیشتری، آواری از مجروحین همیشگی را که محکوم به تکرار و زنده ماندن هستند بر جای می گذارد.
در این شماره به یکی از این خانه ها سری زده ایم و گفت و گویی با علی اصغر هادی، جانباز اعصاب و روان که از ناحیه پا نیز دچار آسیب شده خواهیم داشت.

• مادرم شناسنامه ام را مخفی می کرد که به جبهه نروم

قبل از اینکه به سربازی اعزام شوم تمام تلاشم بر این بود که وارد بسیج شوم. مادرم ممانعت می کرد. سعی می کرد منصرفم کند. حتی کار به جایی کشیده شد که شناسنامه ام را مخفی می کرد. یک سال صبر کردم. سال ۶۵ شروع سربازی ام بود.۳ ماه آموزشی عجب شیر بود. بعد از آن مهران و میمک خدمت کردم. در این مدت به عنوان مکانیک، تعمیرکار و هرکاری که مربوط به ماشین بود مشغول بودم و پایان ۲۴ ماه خدمتم مصادف شد با شروع عملیات مرصاد.

برگه تصفیه دستم بود. اما با شروع عملیات، ۴ ماه به خدمتم اضافه شد. هیچ عجله ای برای رفتن به خانه نداشتم؛ با جان دل می خواستم که در کنار دوستان رزمنده ام خدمت کنم، در حالی که نمی دانستم همین عملیات آخر، زندگی ام را دگرگون می کند.

منافقین تحت عنوان عملیاتی به نام فروع جاویدان به مرزهای غرب کشور حمله کردند؛ این حمله با پذیرش قطع نامه و پایان جنگ همراه شده بود.

آن اوایل که شور رفتن به جبهه را داشتم، عشقم از جنس شهامت، رشادت، شجاعت و ایثار گری بود. حتی اگر خدمت سربازی هم اجباری نبود، باز هم، همین عشق من را به جبهه می کشاند. بعد از گذشت ۲۴ ماه خدمت و جانباز شدنم دیگر احساساتم از این جنس نبود.

• مردم جسد خانواده شان را با دست خود به خاک می سپاردند

استان ایلام و مهران به دلیل نزدیکی با عراق بسیار بیشتر از سایر استان ها در معرض حملات نیروهای عراقی و موشک قرار می گرفتند، به همین خاطر مردم این استان ها در مناطقی مانند گیلان غرب اسکان داده شدند؛ شهرک کوچیکی درآنجا شکل گرفته بود. من شاهد دختری بودم که تمام اعضای خانواده اش را با دست خودش دفن می کند. مصیبت و زجر مردم را با چشم خودم دیدم. آنجا بود که جنس احساسات و عواطف من نسبت به جنگ تغییر کرد.

دیگر مساله احساسات مطرح نبود. بلکه تمام روح و ذهنم با جبهه و جنگ در آمیخته شده بود. با دیدن وضیعت مردم به خانواده ام تلگرام زدم و گفتم: ما مردم مرکزنشین حقی از انقلاب نداریم.

دیگر بحث این نیست که ما برای انقلاب چه کردیم و اتقلاب برای ما چه کرد. مرکزنشین ها به مناطق مرزی بیایند تا زجر مردم را ببینند. دختری را ببینند که با دست های خودش خواهر و پدرش را دفن می کند. ما مرکزنشین ها انقلاب نکردیم بلکه این مردم مرزی بودند که تمام زندگی شان را برای انقلاب دادند.

• به دستور فرماندهی در این عملیات آرپیچی به دست گرفتم

قرار شد تنگه ای را در راستای حمله منافقین ببندیم؛ من در گردان نظامی نبودم و هم چنان کار تعمیراتی انجام می‌دادم و تجربه ای در این زمینه نداشتم. گردان های نظامی آرپیچی را به ما سپردن تا برای تعمیر به مهندسی رزمی تحویل دهیم.

• قبل از جانباز شدن غسل کردم

درست دوازده و نیم ظهر بود. اذان را گفتند و من غسل کردم.

جا زدن گلوله همانا و عمل کردنش در کسری از ثانیه همانا... موجش سرم را گرفت. پایم را همانجا از دست دادم. وسط ظهر بود و آفتاب تندی می زد، اما برای من همه جا تیره و تار شده بود؛ به اندازه نوک سوزن روشنایی می دیدم، اما از روشنایی محیط اطرافم نبود بلکه تصویری بود که در پس ذهنم شکل می گرفت.

گوشم دائما و بی وقفه سوت می کشید و انگار با قدرت شدید و بی امانی به تمام اجزای تنم رسوخ می کرد.

پایم از لگن آسیب دیده بود و هیچ تسلطی بر اعضایم نداشتم. چند بار پشت سر هم از سینه کوه سر خوردم . تمام دنیا برایم تیره و تار شده و هرچه تقلا می کردم بی فایده بود.

نیروها به کمکم آمدند. پشت نیسان که دراز کشیدم حتی لحظه ای هم احساس نکردم که ماشین توقف کند. نیم ساعت طول کشید تا به بیمارستان برسیم. در این فاصله حتی یک نفر هم زخم پایم را نبست. خونریزی ام به قدری شدید بود که تصور می کردند من شهید می شوم.

خوب به خاطر دارم که وقتی به بیمارستان رسیدیم و درب نیسان را باز کردند، به اندازه چند لیتر خون روی زمین ریخت.

نیروهای مردمی از دیدن این صحنه وحشت کردند و به سر و صورتشان می زدند؛ تازه آنجا از حال رفتم.

پایم را کاملا از زانو قطع کردند. از زانو تا لگن فقط نیم متر گوشت باقی مانده بود و هیچ گوشتی به پا نداشتم. پایم عفونت شدیدی داشت. پزشکان بیمارستان اسلام آباد تنها موفق شده بودند که جلوی خونریزی ام را بگیرند.

بعد از آزادی اسلام آباد، به کرمانشاه منتقل شدم تا برای ادامه فرایند درمان به تهران بروم.

■ گوشم دائما و بی وقفه سوت می کشید و انگار با قدرت شدید و بی امانی به تمام اجزای تنم رسوخ می کرد.
پایم از لگن آسیب دیده بود و هیچ تسلطی بر اعضایم نداشتم. چند بار پشت سر هم از سینه کوه سر خوردم . تمام دنیا برایم تیره و تار شده و هرچه تقلا می کردم بی فایده بود.
نیروها به کمکم آمدند. پشت نیسان که دراز کشیدم حتی لحظه ای هم احساس نکردم که ماشین توقف کند. نیم ساعت طول کشید تا به بیمارستان برسیم. در این فاصله حتی یک نفر هم زخم پایم را نبست. خونریزی ام به قدری شدید بود که تصور می کردند من شهید می شوم.

■ زندگی با جانباز برای من خیلی سخت است
ما در خانه، یک جانباز نداریم بلکه با چندین جانباز زندگی می کنیم. اما برای رضای خدا و ثوابش سعی می کنم ناملایمات را تحمل کنم.

وضعیت وخیم شده بود و بمب باران اوج گرفته بود.

بعد از اینکه به بیمارستان بقیه ا... تهران رسیدم، پزشک معالج با دیدن وضعیتم تمام بخش را خالی کرد و گفت بخش عفونی شده باید پایش از لگن خارج شود.

تا دو ماه نگذاشتم که پدرم بفهمد پایم را از دست داده ام

هروقت پدرم به ملاقاتم می آمد از زیر ملافه مچم را به شکل زانو در می آوردم تا متوجه نشود که دیگر پا ندارم! ۲ ماه بعد از تخت بلند شدم و عصا زیر بغل زدم؛ پدرم همان موقع فهمید که پایم قطع شده است.

دورانی که بستری بودم، صحبت های اطرافیان را می شنیدم که می گفتند؛ ناقص شد، نصف بدنش از دست رفت و من فقط به این فکر می کردم که چه سعادتی نصیبم شده، در پوست خودم نمیگنجیدم که بله من هم جانباز شده ام.

۳ ماه بیمارستان ماندم. بعد از ۳ ماه که می خواستم به خانه پدری برگردم، برایم سخت بود، انگار تازه فهمیده بودم که یک پا ندارم.

خاطرات هم رزمان، کسانی که شهید شدند و یا به اسارت گرفته شدند؛ لحظه ای از ذهنم نمی رفت و دائما آزارم می داد. بعد از آن مسائل مالی گریبانم را گرفت.

یگان خدمتی ام شیراز بود. برای پیگیری پرونده جانبازی ام به یگان غرب ارجاعم دادند. از طرفی، یگان غرب پرونده ام را قبول نمی کرد و به جای دیگری انتقالم می داد. ۳ سال پروسه تشکیل پرونده و مستمری ام طول کشید.

وضعیت مالی خانواده ام ضعیف بود و تعریف چندانی نداشت. تمام این مشکلات دست به دست هم دادند تا بابت مسائل مالی و پرونده صورت سانحه با سختی های بسیاری مواجه شوم. هزینه ایاب و ذهاب در این مدت سنگین شده بود. از طرفی باید سرکار می رفتم اما به دلیل موج گرفتگی شغلی پیدا نمی کردم. حتی برای تشکیل خانواده و ازدواج مشکلات زیادی برایم پیش آمد.

• از جامعه طرد شدم

در نهایت از جریان انقلاب دور ماندم. عضو هیچ گروه و سازمانی نبودم. انگار طرد شده بودم. تنها مانده بودم. هیچ جمعی من را نمی پذیرفت و علت آن هم موج گرفتگی ام بود. فکر می کردم حداقل عضو گروه های جهاد می شوم. با خودم می گفتم درسته که پا ندارم اما می توانم کارهای پشت میزی را انجام بدهم. حتی این را هم از من دریغ کردند.

مقطعی به عنوان مشاور املاک فعالیت داشتم. باز هم اطرافیان می گفتند تو نمی توانی دلال باشی؛ نمی توانی کاسبی کنی. به همان نماز و مسجدت بچسب! این شد که بعد از ۴ سال این کارم را رها کردم و خانه نشین شدم.

به خواستگاری پنجاه و نه دختر رفتم! همسرم شصتمین خواستگاری‌ای بود که بالاخره جواب مثبت گرفتم.

۲۷ سالم بود و مدتی بود که در دفتر مرکزی کمیته امداد مشغول شده بودم. برای اولین بار همسرم را همانجا ملاقات کردم. ۱۶ سالش بود و همراه مادرش برای پیگیری پرونده پزشکی اش به کمیته امداد آمده بود. بلافاصله جریان را با مدیر کل مطرح کردم و گفتم که این خانم را پسندیده ام.

مدیر دفتر کمیته امداد بوئین زهرا همان روز به خانه همسرم رفت و بحث ازدواج را با خودش و خانواده اش مطرح کرد. بعدها خانمم برایم تعریف کرد وقتی مدیر کل چنین پیشنهادی داد از تصورش چندشم شد. گوشت تنم ریخت.

از روزی که همسرم را در کمیته امداد دیدم تا ازدواجمان فقط ۲۰ روز طول کشید. سال ۷۲ ازدواج کردیم و سال ۷۳ اولین فرزندمان به دنیا آمد.

یک هفته بعد از ازدواج، وارد کار خرید و فروش چوب شدم. پدرم نجار بود و من هم از قبل تجربه نجاری داشتم. اما بیشتر از یک سال دوام نیاوردم.

• دلم نمی خواهد بچه هایم مثل من از جامعه طرد شوند

پسر بزرگم ۳۰ سالش شده و به تازگی یعنی ۵ ماه اخیر، موفق شده کاری در شرکت دست و پا کند. پسر کوچک ترم که ۲۸ سال دارد، تنها یک هفته است که سرکار می رود.

اخیرا به دلیل مسائل مالی با خانواده و جامعه ارتباط چندانی نداریم. رفت و آمدها به حداقل رسیده، نه خانه کسی می رویم و نه کسی به خانه ما می آید؛ تنها نگرانی من از بابت بچه هاست؛ نگرانم که در این وضع باقی بمانند.

**

از همسر آقا هادی می پرسم وقتی بحث ازدواج پیش آمد، راضی نبودین؛ چه اتفاقی باعث شد که در مدت ۲۰ روز راضی به این وصلت شوید؟ برایم تعریف می کند: دوست داشتم خارج از شهرمان ازدواج کنم. اتفاقا خواستگار هم داشتم. اما خب با خودم فکر کردم که ازدواج با جانباز ثواب دارد. البته از اخلاق و موج گرفتگی‌اش اطلاع نداشتم.

• بعد از ازدواج متوجه شدم که حال چندان مساعدی ندارد

زیاد که به تنها شدن و جانبازی اش فکر می‌کند حملاتش شروع می شود.

سال ها پیش که بچه ها کوچک تر بودند؛ با شروع حملات موج گرفتگی‌اش، با کمربند کتکشان می زد؛ آویزانشان می کرد. بعد از اینکه وسایل منزل را خرد می‌کرد، روی شیشه‌ها پرتم می کرد. شیشه ها داخل چشمم می رفت و پیشانی ام را زخم می کرد؛ بعد هم که به حال طبیعی بر می‌گشت معذرت خواهی می کرد. هر بار گذشت می‌کردم و فکر می‌کردم که خب آخرین بار است و دیگر تکرار نمی شود، اما می‌دیدم که نه، شوهر من قابل کنترل نیست.

دلم نمی آمد تنهایش بگذارم. وابسته اش شده بودم و دلم به حالش می سوخت. مدتی است که دارو مصرف می کند و دیگر دچار آن حملات نمی شود. اوایل که اصلا دارویی نمی خورد. مغزش آسیب دیده بود و دوستش، دوای درد و مشکلاتش را مصرف تریاک می دانست! بعد از مصرف تریاک اخلاقش کاملا تغییر می کرد. به همه چیز گیر می داد. درب حمام و تمام وسایل را می شکست. به این بهانه که چرا کار نمی‌کنی چرا نان نخریدی و هزاران مسائل کوچک و بزرگ دیگر برای پسرمان مامور خبر می‌کرد.

فصل بارندگی بود. بچه ها صبحانه نخورده بودند و تا ناهار خیلی مانده بود. برایشان کیک خریدم. یک دفعه عصبی شد. گفت نباید به بچه‌ها کیک می‌دادی. حالا دیگر ناهار نمی‌خورند. عصر هم گرسنه شان می‌شود و باز باید بهشان کیک بدهی و شام نمی خورند.

• جلوی فروشگاه ارتش مجبورمان کرد که با بچه ها سینه خیز توی لجن برویم!

یک بار داخل ماشین حالش بد شد و شروع کرد به کتک زدن من، به قدری ضرباتش را محکم به صورتم می‌زد که پسرم که آن زمان سنی هم نداشت گفت من میام جلو می‌نشینم من را کتک بزن، با مامان کاری نداشته باش.

• زندگی با جانباز برای من خیلی سخت است

ما در خانه، یک جانباز نداریم بلکه با چندین جانباز زندگی می کنیم. اما برای رضای خدا و ثوابش سعی می کنم ناملایمات را تحمل کنم.

**

• فکر می کردم پدرم دوستم ندارد

دختر آقای هادی برایم تعریف می کند: کوچک تر که بودم رفتارهای پدرم را درک نمی کردم. نمی دانستم چه سختی هایی متحمل شده و چه جایگاهی دارد. فکر می کردم چون دوستم ندارد، چنین رفتارهایی از خودش نشان می دهد. با یکی از برادرهایم ۴ سال و با دیگری ۶ سال اختلاف سنی دارم و بچگی هایشان را ندیدم؛ نمی دانستم که با برادرهایم هم همین رفتار را داشته؛ نمی توانستم این درد و رنج را هضم کنم. دبیرستان که بودم برایم لب تاب خرید. فردایش به مدرسه ام آمد و شروع کرد به سر و صدا. مدیر و مسوولین مدرسه را دور خودش جمع کرده بود و فریاد می زد که چرا من باید برای دخترم لب تاب بخرم.

همه می دانستند پدرم است. دوستم با عجله سراغم آمد و گفت پدرت مدرسه را به هم ریخته؛ هیچ وقت آن روز را فراموش نکردم. پنج ساعت زیر باران داخل حیاط گریه می کردم.

بزرگ تر که شدم دیدم که انگار شرایط ما واقعا با بقیه متفاوت است.

• بعد از کنکور، در رشته مورد علاقم، ژنتیک تهران قبول شدم اما نرفتم.

وضع مالی مان به یک باره سقوط کرده بود و دلم نمی خواست بابت مخارج خوابگاه و زندگی در تهران به پدرم فشار وارد شود. تفریحاتی که از نظر بقیه عادی بود، برای من تبدیل به حسرت شده بود. بعد از هر بار بیرون رفتن پدرم رفتارهای سابقش را شروع می کرد؛ به حدی این رفتارهای تندش را ادامه می داد که یک جایی تصمیم گرفتم زیاد بیرون نروم.

احساس می کنم تمام فشارهای روانی ای که در کودکی، به دلیل شرایط زندگی مان با پدرم داشتیم و به روحم وارد شد، الان و در ۲۳ سالگی به شکل غیرقابل کنترلی در حال رشد و نمایان شدن است.

پدرم دیگر رفتارهای سابق را ندارد. به همه ما محبت و توجه دارد. الان متوجه می شوم که تا چه اندازه برایم مهم و ارزشمند است؛ اما چیزی نمی تواند خاطرات تلخ گذشته را برایم پاک کند.

در خانه ما یک جانباز جنگی زندگی نمی کند.

انگار که تمام ما، بازمانده جنگی هستیم که تمامی ندارد.

■ فکر می کردم پدرم دوستم ندارد
دختر آقای هادی برایم تعریف می کند: کوچک تر که بودم رفتارهای پدرم را درک نمی کردم. نمی دانستم چه سختی هایی متحمل شده و چه جایگاهی دارد. فکر می کردم چون دوستم ندارد، چنین رفتارهایی از خودش نشان می دهد.

پیام شهر قزوین
شنبه ۱۹ اسفند ماه ۱۴۰۲
۲۸ شعبان ۱۴۴۵
شـماره ۳۹۳

در گفت وگوی پیام شهر با مدیران استانی وزارت نیرو مطرح شد؛

«وضعیت آبی» چالش های مهم استان

کاهش ۳۰ متری سطح آب های زیرزمینی نگران کننده است

لیلا دودانگه

بر اساس بررسی های میدانی و اعلام مسوولان امر در استان، دشت قزوین به دلیل کاهش بارش و نزولات آسمانی در سنوات گذشته، با تراز منفی مواجه شده و اکنون ۶ شهر استان قزوین شامل؛ آبیک، آوج، الوند، اقبالیه، تاکستان و سیردان با قرار گرفتن در وضعیت قرمز و نارنجی با بحران آب مواجه هستند که در دو مورد این مشکلات بیشتر خود را نشان می‌دهد؛ یکی پایین رفتن سطح آب چاه‌ها و تعمیق منابع قابل دسترس آب و دیگری مساله فرونشست زمین. گزارش‌ها نشان می‌دهد؛ در برخی از مناطق استان وضعیت خوبی نداریم و این امر باعث شده سیاست ها و رویکردهایی همچون نصب کنتورهای هوشمند چاه‌ها، اصلاح الگوی کشت و برنامه‌ریزی برای مدیریت آب در دستور کار مسوولان استان قرار بگیرد که با توجه به وضعیت فعلی، مردم باید نسبت به مصرف بهینه آب، چه در بخش کشاورزی و چه در بخش شرب، دقت و صرفه جویی کافی را داشته باشند؛ بدون شک در شرایط فعلی و با توجه به کاهش بارش‌ها، حاکمیت به تنهایی نمی‌تواند مشکلات مربوط به آب را حل کند که در این زمینه نیاز است مردم هم با بهینه کردن مصارف خود همراهی لازم را داشته باشند.

در استان قزوین و در بخش شرب حدود ۲۹ شهر و ۸۰۱ روستا با جمعیتی افزون بر ۱ میلیون ۳۰۰ هزار نفر، یعنی حدود ۹۷ درصد جمعیت شهري و روستايي با حدود ۵۸۰ هزار مشترك تحت پوشش شرکت آبفا هستند که حجم تولید آب برای این تعداد مشترک با بیش از حدود ۱۲۸ میلیون متر مکعب از ۷۲۸ حلقه چاه و چیزي حدود ۳۲۸ مورد چشمه و چاه صورت می گیرد.

آن طور که مدیرعامل شرکت آب و فاضلاب استان به پیام شهر گفت؛ ۱۷۳ کیلومتر اصلاح بازسازي و توسعه شبکه آب رسانی در سطح شهرها و روستاهاي استان احداث ۳۴ مخزن با حجم ۵ هزار ۸۷۰ متر مکعب احداث حفر ۲۰ حلقه چاه در ۹ ماه ابتدای امسال براي شهرها و روستاها، افزایش ۹ هزار و ۴۰۰ مشترك جديد به شهري و روستايي در بخش آب و همچنین در بخش فاضلاب، انجام ۸ کیلومتر کار و بهره برداری از فاز اول تصفیه خانه شال و عملیات احداث تصفیه خانه شریفیه، تنها گوشه ای از اقدامات شرکت آب و فاضلاب در مدیریت آب شرب استان است.

بیرانوندی، قزوین را جزو ۶ استانی نام می برد که کم ترین بارش را در کشور داشته و ادامه می دهد که رویکرد شرکت در ۲ موضوع مدیریت توامان عرضه و تقاضا است که بحث اول تامین و بعد هم مدیریت تقاضا برای گذر از تابستان سخت ۱۴۰۲ بود و اینک برنامه ریزی برای ۱۴۰۳ استان است.

وی در پاسخ به این سوال پیام شهر که پیش بینی شما با توجه به وضعیت بارش ها و عبور از تابستان سال بعد چیست، گفت: متاسفانه وضعیت بارش ها در کل کشور مناسب نیست و ما در ۴ سال گذشته خشکسالی پیاپی را شاهد بوده ایم و در کشور جزو ۶ استان آخر هستیم.

این مقام مسوول تصریح کرد: استان قزوین از لحاظ آمار بارش نیز وضعیت مناسبی را ندارد و از آنجایی که آبرسانی به مردم توسط آب های زیر زمینی انجام می شود، بیشتر تحت تاثیر این مشکلات بوده و نیاز است که مردم در بحث مدیریت مصرف با درک برای شرایط موجود، به این قضیه و کاهش مشکلات کمک کنند.

وی با بیان اینکه ما به علت شرایط خشکسالی و علیرغم کاهش ۳۰ درصدی منابع آبی، به کمک مردم می‌توانیم تابستان آتی و فصل گرما را با کمترین مشکل پشت سر بگذاریم، یادآور شد: برنامه ما اکنون حفر حداقل ۲۰ حلقه چاه جدید از این تاریخ تا تابستان آینده در سطح شهر ها و روستاهای استان است و براساس پیش بینی ما حدود ۱۰ شهر ما با تنش هایی مواجهه هستند.

بیرانوندی افزود: با برآوردهای ما، با حفر این تعداد چاه، در بحث تامین آب ۱۰ شهر استان، پیش بینی می کنیم مشکلات ما به یک حداقل ممکن برسد، گو اینکه البته اگر دو ماه آینده وضعیت بارش ها به وضعیت نرمال تری برسد، ولی قطع یقین حدود ۱۰ شهر ما با تنش مواجهه هستند و نیازمندیم که به هر حال مردم با وجود تلاش که داریم مردم تا آنجا که می توانند در مصرف خود مدیریت کنند.

وی توضیح داد: در حال حاضر الگوی مصرف هر خانوار ۱۴ مترمکعب یعنی ۱۵۰ لیتر در روز به ازای هر نفر است که متاسفانه در حال حاضر برخی مشترکین به ازای هر نفر بیش از ۲۰۰ لیتر در شبانه روز مصرف می کنند.

این مسوول با بیان اینکه متوسط آماری مصرفی که اکنون در اختیار داریم، ۳/۲ دهم درصد بر اساس بعد خانوار است، یعنی الان مصرف، ۱۴ متر مکعب است، یعنی هر شخص ۱۴ هزار لیتر می تواند آب مصرف کند و چنانچه از این مقدار بالاتر برود، در بخش مشترک پر مصرف قرار می گیرد، افزود: ۴۷ درصد مشترکین شرکت جزو خوش مصرف ها هستند که نیاز داریم با توجه به شرایط اقلیمی که وجود دارد، آن ۵۳ درصد باقیمانده و بد مصرف ها هم با درک شرایط موجود و با توجه به افت منابعی که در اختیار داریم، مصرف را رعایت کنند که در این رابطه سیاست تشویقی هم در برنامه است و کسانی که بالاتر از الگو هستند مصرفشان به صورت پلکانی محاسبه می شود و هزینه بیشتری را باید بپردازند.

وی همچنین با اشاره به نزدیک شده به پایان سال و عید نوروز و افزایش مصرف آب گفت: درخواست و خواهشی که از عموم مردم شریف دارم این است که ما ۴ سال پیاپی در استان خشکسالی داریم و با توجه به این شرایط باید خودمان را با شرایط سازگار کنیم و خانه تکانی های آنچنانی و ماشین شویی های آنچنانی با استفاده از شبکه آب شرب باعث می شود که مردم عزیزمان در نقطه دیگری در شهرها با مشکل مواجهه شوند من امسال از مردم خواهشی که دارم اینکه خانه هایی که دارای بافت های قدیمی هستند بر اساس یک سنت حسنه که بوده، سعی کنند امسال از شست و شوی قالی و خانه تکانی های آنچنانی خودداری کرده و سعی کنند از قالی شویی ها و از راهکارهای دیگر استفاده کنند و اینکه همکاران ما در واحد گشت ناجیان آب هم در صورت مواجهه، تذکر لازم را می‌دهند با این قیبل موارد برخورد می کنند.

مدیر عامل شرکت آبفای استان در خصوص ناجیان آب افزود: اولا ما برای کسانی که گزارش انشعابات غیر مجاز را ارایه کنند، پاداش در نظر گرفته ایم، یعنی مشترکی که به کنتور داشته باشد و به جای استفاده شرب، برای مصارف دیگری استفاده بشود، غیر مجاز است، یعنی اینکه کسی نمی‌تواند برای شستشوی قالی و ماشین و آبیاری باغچه منزل از آب شرب استفاده کند و ماموریت ناجیان آب همین است و در ایام عید نیز گشت های آنان بیشتر خواهد شد و با توجه به اینکه معمولا اوج مصرف آب در ۲ هفته آخر اسفند است، من خواهشی که دارم آن است که این امورات را به روزهای آخر نندازند و حداقل مصرف را به این شکل مدیریت کنند و امیدواریم با کمک مردم این مشکلات را به حداقل برسانیم.

وی در ادامه گفت: امسال بالای ۲۵۰ پروژه و ریز پروژه در سطح شهرها و روستاهای استان با اعتباری بالغ بر ۵۱۳ میلیارد تومان تعریف شده که بیشتر از همه در بحث گذر از تابستان سال آتی است که این مشکلات را به حداقل برسانیم. بالای ۱۴ دستگاه تانکر آب رسانی سیار برای روستاهایی که با کمبود آب مواجه می شوند، آماده می کنیم و در ممجموع بیشترین بحث ما برای تابستان آینده، تامین آب از منابع جدید و در عین حال برخورد با مشترکین پر مصرف و بد مصرف است که بتوانیم تقاضا را به نوعی مدیریت کنیم .

بیرانوندی همچنین در خصوص کلنگ زنی و آب رسانی پروژه عظیمیه هم گفت: در این خصوص تفاهم نامه ای با راه و شهرسازی به امضا رسانده ایم که قرار است که پس از تامین اعتبار، عملیات اجرایی آن آغاز شود که انصافا هم در این زمینه آقای استاندار و معاون عمرانی خیلی پیگیر بودند و توافق نامه امضا شده و توسط شرکت آبفا و شرکت توزیع برق، پیمانکار فاز اول هم انتخاب شده و الان در پروسه تامین اعتبار توسط راه و شهرسازی هستیم و به شرط تامین اعتبار و آغاز عملیات اجرایی، مخزن عظیمیه آماده کلنگ زنی خواهد بود.

وی افزود: در بحث عظیمیه اعتبار الان چند مشکل وجود داشت که یکی بحث تامین آب بود و دیگری ایجاد زیر ساخت ها، حالا اینکه برای تامین آب، از آب طالقان استفاده شود در حال پیگیری است ولی در بحث تاسیسات، هزینه زیادی لازم است و بالای هزار میلیارد تومن اعتبار لازم است که عدد بزرگی است. فاز اول این طرح به میزان ۲۲۵ میلیارد تومان در مناقصه توسط پیمانکار انتخاب شده و منتظر تامین اعتبار هستیم و به محض تامین اعتبار عملیات احداث آغاز خواهد شد.

این مسوول گفت: براساس توافقی که با اداره کل راه و شهرسازی استان صورت گرفته، این مجموعه متعهد به تامین اعتبار لازم است و من بسیار به توافق نامه ای که امضا شده امیدوارم هستم و به نظر من اتفاقاتی خوبی رخ خواهد داد که با یک کم صبر و به صورت فازبندی به صورت مرحله به مرحله اجرا می شود.

وی همچنین در خصوص احتمال افزایش قیمت آب در مجلس نیز گفت: هنوز که هیچ چیزی مطرح نشده و ابلاغیه ای نیامده و فقط جریمه ای برای پر مصرف ها و بد مصرف ها که بالای ۱۴ مترمکعب در ماه مصرف می کنند لحاظ می شود.

بیرانوندی، از هزینه آب به عنوان ارزان ترین انرژی در کشور یاد کرد و گفت: وقتی فیش های آب و برق و گاز را باهم مقایسه کنیم، قابل قیاس نیست و باید به این موضوع توجه کنیم که مهم ترین انرژی آب است، شما بدون برق بدون گاز و بدون نفت می‌توانید زندگی کنید اما بدون آب تصورش هم به اصطلاح غیر ممکن است، ضمن اینکه ما در کشور دچار کم آبی هستیم و طبق استاندارد جهانی میزان آب مصرفی ۱۲۵ لیتر آب به ازای هر نفر در روز است؛ آبی که به اصطلاح می شود مصرف آن را مدیریت کرد.

وی در این خصوص و با بیان اینکه ایران یک کشور کم آب است و هر چقدر آب حفظ شود، به نفع همه و آیندگان است، افزود: تغییر الگوی مصرف که در برنامه است، چندان زیاد نیست و هدف هدف قانون گذار هم آن است که مردم آن دستاوردی که در بحث مصرف برق اتفاق افتاده و در مصرف گاز هم دیدیم، در آب هم به آن نایل شود و مردم هدایت بشوند، ضمن اینکه ۱۲۵ لیتر به ازای هر نفر هم کم نیست مثلا در کشور هلند که بارندگی و آب فراوان وجود دارد، الگوی مصرف کمتر از این و حدود ۱۱۴ تا ۱۱۵ لیتر است.

بیرانوندی گفت: با این الگو، هر مشترکی مصرف بالا دارد، باید هزینه اش را بپردازد و متاسفانه مصرف ما الان بالای هر نفر ۲۰۰ لیتر است و هدف قانون گذار این است که باعث شود که وقتی در حال حاضر ۴۷ درصد مشترکان خوش مصرف ما تقریبا پول آنچنانی برای مصرف آب پرداخت نمی کنند، چرا نیمه دیگر به این سمت سوق داده شوند.

وی با بیان اینکه آب نه تولید شدنی است و نه می شود با توجه به هزینه های زیاد از حوزه ای به حوزه دیگه منتقل شود، افزود: بر این اساس هدف این است از آنجایی که۵۴ درصد مشترکین ما پر مصرف و بد مصرف هستند که ۲ برابر میزان مصرف عادی، آب مصرف می‌کنند و حدود ۴۶ درصد مشترکین، کمتر از یک چهارم آب تولیدی ما را مصرف می‌کنند یعنی تولیدی عملاً آب تولیدی توسط پرمصرف‌ها و بدمصرف‌ها مورد استفاده قرار می‌گیرد که می طلبد مابقی مردم هم به سمت خوش مصرف ها سوق داده شوند.

بیرانوندی در خاتمه با قدردانی از تلاش هاش رسانه ها و خبرنگاران در آگاه سازی جامعه از وضعیت آبی استان گفت: در حال حاضر شرایطی که در بحث کمبود بارش ها هست، نیازی به آمار ندارد و مردم عینا از شرایط آگاهی دارند، ضمن اینکه من خشکسالی را در فرصتی می دانم که مردم بیشتر به آب اهمیت بدهند و امیدواریم از این فرصت استفاده کنند، ولی قطع یقین ما کارکنان آب و فاضلاب نخواهیم گذاشت مردم زیاد نگران این کم بودها باشند، به شرطی که در بحث مدیریت مصرف آب به ما کمک کنند، به ویژه آن دسته از مشترکین بد مصرف و پر مصرف، به سمت خوش مصرف هدایت شوند تا بتوانیم مشکلات را به حداقل برسانیم.

مدیرعامل شرکت آب و فاضلاب استان قزوین؛ امسال بالای ۲۵۰ پروژه و ریز پروژه در سطح شهرها و روستاهای استان با اعتباری بالغ بر ۵۱۳ میلیارد تومان تعریف شده که در مجموع بیشترین بحث ما برای تابستان آینده، تامین آب از منابع جدید و در عین حال برخورد با مشترکین پر مصرف و بد مصرف است که بتوانیم تقاضا را به نوعی مدیریت کنیم

مدیرعامل شرکت آب منطقه‌ای استان قزوین؛ در مجموع از سال ۹۰ تاکنون حدود ۳ میلیارد مترمکعب از مصارف آب استان به مصرف رسیده و پیش‌بینی می‌شود که حدود ۱۰ میلیارد مترمکعب از ذخایر آب زیرزمینی باقی مانده، به طوری که به طور متوسط سالانه با یک متر و ۲۵ سانتیمتر افت آب مواجهیم که نگران کننده است.

• **کاهش سطح آب های زیرزمینی چالش های مهم استان است**

مدیرعامل شرکت آب منطقه‌ای استان قزوین هم در نشست مدیران صنعت آب و برق استان گفت: در مجموع حدود ۷۳ درصد از مصارف آب استان در بخش آب زیرزمینی و ۲۷ درصد هم در بخش منابع آب سطحی است که عمده‌ترین میزان مصرف هم از بخش آب زیرزمینی در بخش کشاورزی با ۸۳ درصد، آب شرب ۱۱ درصد و صنعت ۶ درصد است.

ستوده با بیان اینکه در مجموع از سال ۹۰ تاکنون حدود ۳ میلیارد مترمکعب از مصارف آب استان به مصرف رسیده و پیش‌بینی می‌شود که حدود ۱۰ میلیارد مترمکعب از ذخایر آب زیرزمینی باقی مانده است، کاهش سطح آب های زیرزمینی را از چالش های مهم استان ذکر کرد و اظهارداشت: در دهه های گذشته بیش از ۳۰ متر سطح آب های زیرزمینی کاهش یافته و به طور متوسط سالانه با یک متر و ۲۵ سانتیمتر افت آب مواجهیم که نگران کننده است.

وی همچنین با اشاره به بارش ها طی ۵۵ سال گذشته به میزان ۳۲۲ میلیمتر، گفت: تاکنون ۹۵ میلیمتر بارش داشتیم که نسبت به سال قبل ۳ درصد افزایش و نسبت به بلند مدت شاهد کاهش ۳۸ درصدی هستیم.

این مقام مسوول در ادامه با بیان اینکه میزان منابع آب استان ۲ هزار و ۳ میلیون مترمکعب است که یک هزار و ۵۵۵ میلیون مترمکعب دربخش آب زیرزمینی و ۵۴۲ میلیون کمترمکعب در آب سطحی تغذیه می شود، تصریح کرد: در راستای سازگاری با کم آبی و اجرای طرح احیاء و تعادل بخشی در استان از سال ۹۳ تاکنون ۳۶۱۹ حلقه چاه غیرمجاز با حجم صرفه جویی ۳۳۵ میلیون مترمکعب آب، پر و مسلوب المنفعه شده و همچنین با کنترل میزان برداشت ۳ هزار و ۷۴۴ حلقه چاه تعداد ۵۹۷ دستگاه حفاری غیر مجاز شناسایی شده است.

ستوده بیان کرد: لایروبی و پاکسازی ۸۷ کیلومتر از مسیر رودخانه ها و سند دار شدن ۲۶۳۳ هکتار رودخانه ها و ساماندهی حدود ۴ کیلومتر حریم رودخانه ها، مطالعه ۳۰۳ کیلومتر حریم و بستر رودخانه ها از کارهای مهم انجام شده است.

این مدیر یادآورشد: با اختصاص اعتبارات امسال ۱۳ طرح مهم شامل ۵ طرح ملی و شش طرح متمرکز و دو طرح استانی با اعتباری بالغ بر ۸۲۴ میلیارد تومان اجرا می شود که ۳۸۲ میلیارد تومان معادل ۴۶ درصد آن تخصیص داده شده است.

ستوده اظهارداشت: این اعتبارات برای اجرای سد نهب، سد بالاخانلو، آبرسانی از سد طالقان و بالاخانلو، چند طرح کوچک تامین آب و ساماندهی برخی امور پیش بینی شده است.

وی گفت: در سفر رئیس جمهور به استان ۶۷۲ میلیارد تومان سهم بخش آب استان بود که برای اجرای ۵ طرح مهم پیش بینی شده بود که بخش مهمی از آن دریافت شده است.

مدیرعامل شرکت آب منطقه‌ای قزوین با بیان این که منابع تأمین آب شرب استان قزوین تا افق ۱۴۲۵ از محدوده حوزه شاهرود و ارتفاعات حوزه رودخانه شور که ۶ شهر و ۶۱۱ روستا را شامل می‌شود و نیز محدوده دشت قزوین که ۱۹ شهر و ۲۲۰ روستا را در بر می‌گیرد، گفت: آبرسانی به ۱۴ شهر و ۱۹۴ روستای استان به میزان ۶۰ میلیون متر مکعب در سال و کاهش برداشت از منابع آب زیرزمینی با توجه به افت کمی و کیفی آبخوان اهدافی است که در این طرح در نظر داریم و در این راستا پروژه تأمین مالی، احداث، بهره‌برداری و انتقال تأسیسات تصفیه خانه آب شرب قزوین از سد طالقان به روشBOT و آبرسانی از سد طالقان به شهرها و روستاهای استان قزوین را در نظر گرفته‌ایم که تا امروز ۱۷ و نیم کیلومتر خط انتقال آبرسانی به شهر آبیک و ۹ و نیم کیلومتر لوله فولادی برای این طرح داشته‌ایم که مرداد ماه سال ۱۴۰۱ این بخش از پروژه به بهره برداری رسید.

وی گفت: آبرسانی از سد بالاخانلو به ظرفیت ۵ میلیون مترمکعب برای تامین آب شرب ۵ شهر و ۳۰ روستا، اجرای ۸۲ کیلومتر خط انتقال، بعنوان طرح اولویت دار وزارت نیروست که تکمیل آن ۱۵۰۰ میلیارد تومان نیاز دارد که تاکنون ۵۵۰ میلیارد تومان برای آن هزینه شده است.

ستوده اظهارداشت: سد نهب با ظرفیت ۱۲۰ میلیون مترمکعب آب با اعتباری بالغ بر ۹۷۰ میلیارد تومان احداث شده و ۹۸ درصد پیشرفت فیزیکی دارد و امسال افتتاح می شود.

وی گفت: این سد با طول تاج ۲۲۰۰ متر دارای بزرگترین طول تاج است و راه روستایی شیزر هم به طول حدود ۴ کیلومتر آماده بهره برداری است.

مدیرعامل شرکت آب منطقه ای با اشاره به انجام مطالعات مرحله اول سد مخزنی بورمانک و همچنین انجام مطالعات مرحله دوم توسط مشاوران شرکت آب منطقه‌ای، خاطر نشان کرد: مطالعات به منظور پیگیری و اخذ مجوز تخصیص آب در حال انجام است و پیشرفت مطالعات فاز ۲ آن به ۷۸ درصد رسیده و هزینه اجرای این طرح حدود ۷۰۰ میلیارد تومان پیش بینی می‌شود.

***

اکنون با توجه به دغدغه های مدیرعامل شرکت آب منطقه ای قزوین که به افت سطح ۳۰ متری آب های زیرزمینی دشت قزوین از سال ۷۸ اشاره کرد و از سوی دیگر همانطور که مدیرعامل شرکت آب و فاضلاب بارها به درصد بالای مشترکان پرمصرف و بدمصرف آب اشاره داشت، به نظر می رسد در بخش آب شرب شهری و روستایی، ضرورت تداوم اقدامات فنی و فرهنگی مدیریت مصرف آب، عملیاتی‌کردن راهکارهای سازگاری مردم و مشترکان با وضعیت خشکسالی و در بخش آب کشاورزی نیز ترویج و آموزش بهره‌برداران و تغییر سیستم‌های سنتی، اصلاح الگوی کشت متناسب با پتانسیل‌های هر منطقه و ترغیب کشاورزان به کاشت محصولات با نیاز آبی پایین و جلوگیری از برداشت‌های غیرمجاز چاه‌های آب کشاورزی وغیره در راستای صیانت از منابع آبی استان با توجه به اینکه قریب ۹۲ درصد آب تولیدی در بخش کشاورزی مورد استفاده قرار می گیرد، فوق‌العاده ضروری و اجتناب ناپذیر است.

به بهانه ۹ اسفند، روز ملی حمایت از حقوق مصرف کنندگان؛

حقوق مصرف کنندگان؛ از شعار تا عمل

دیباچه

ایرانیان از دیرباز به تولید محصول باکیفیت شهره بوده‌اند، اما متاسفانه در روزگار ما منافع زودگذر باعث شده برخی از تولیدکنندگان از کیفیت کالای خود بکاهند که و نتیجه آن شده که برخی از مصرف کنندگان دیگر چندان علاقه ای به خرید و استفاده از کالای ایرانی از خود نشان نمی دهند که ضروری است تولیدکنندگان بیش از گذشته به تولید کالای باکیفیت تشویق شوند و حمایت از کالای با کیفیت ایرانی به عنوان یکی از راهبردهای مهم در اولویت سیاست های مسوولان نظام قرار بگیرد.

به طور کلی لایحه حمایت از حقوق مصرف‌کننده شامل؛ حق به دست آوردن کالاها و خدمات با کیفیت سالم و استاندارد، حق برخورداری از اطلاعات لازم در مورد کالاها و خدمات از قبیل تاریخ تولید و مصرف، کاتالوگ، فهرست بها و...، حق برخورداری از حمایت دولت در صورت وقوع برخی تخلفات از سوی صاحبان واحدهای صنفی (مثل ارائه کالا به قیمت نامناسب، افت کیفیت، عدم رعایت استاندارد، حق دریافت کالا و خدمات بهداشتی سالم و حق شکایت از متخلفان اقتصادی به مراجع ذیربط است.

از آنجایی که تاکید بر مصرف کالای ایرانی، فقط توصیه‌ای برای مصرف کنندگان نیست، بلکه تولید کننده هم باید با ارائه کیفیت برتر، اجازه ندهد که مشتریان به کالای خارجی تمایل پیدا کنند. تولید کننده باید مصرف کننده را محترم بشمارد و کالای مرغوب به او بدهد و مصرف کننده هم باید تا جنس ایرانی با کیفیت هست، از خرید و استفاده از اجناس خارجی اجتناب کند.

در ادامه گفت و گو پیام شهر با علی محمدی چمنی معاون بازرسی و نظارت اداره کل صنعت، معدن و تجارت استان قزوین به بهانه ۹ اسفند روز ملی حمایت از حقوق مصرف کنندگان در خصوص فعالیت‌ها و دستاوردهای این مجموعه در استان را می خوانید.

• با توجه به اینکه روز ۹ اسفند به نام روز ملی حمایت حقوق مصرف کنندگان نام گذاری شده، لطفا شمه ای از ماموریت های این محموعه را توضیح دهید.

سازمان حمایت مصرف‌کنندگان و تولیدکنندگان و به تبع آن معاونت نظارت و بازرسی سازمان های صمت استان‌ها به‌عنوان یک نهاد حاکمیتی، همواره در راستای ماموریت، وظایف و اختیارات خود و نیز سیاست‌های کلان و قوانین و ضوابط جاری کشور، اقدام به حمایت از حقوق فعالان و بازیگران اصلی و مهم اقتصادی و بازار از جمله مصرف‌کنندگان، تولیدکنندگان و... در ابعاد و حوزه‌های متنوع به ویژه تنظیم بازار اقلام و کالاهای اساسی، حساس و مهم می‌کنند و با رصد مستمر بازار و عوامل موثر بر تحولات آن و تهیه گزارش‌های کارشناسی پیشنگرانه، آگاهی و هشدارهای لازم را با رویکرد کمک به ثبات بازار در قالب حمایت هدفمند و هوشمندانه، به تصمیم گیران اقتصادی منعکس می‌کند. این سازمان نیز طی سالجاری با انجام بالغ بر ۲۴ هزار فقره بازرسی مستقل و ۴هزار و ۳۰۰ فقره گشت مشترک و تشکیل بیش از ۴ هزار فقره پرونده تخلفاتی در جهت کنترل بازار اقدام نموده است. تنظیم بازار کالاهای اساسی، حساس و مهم و نقش اساسی آن در سبد مصرفی خانوار به لحاظ قیمتی و عرضه و تقاضا و چه به لحاظ تامین به موقع و کافی مواد اولیه برای واحدهای تولیدی، همواره مورد تاکید و اولویت دستگاه‌های مرتبط و از جمله این سازمان به خصوص در شرایط کنونی که با تحریم‌های ظالمانه محدودیت‌هایی در تامین واردات و تخصیص ارز وجود دارد بوده است. در این میان تامین نیازهای کشور در همه زمینه‌ها با تکیه بر توان تولید داخل و بهره مندی از ظرفیت‌های بالفعل و بالقوه داخلی در اولویت است و با همین رویکرد و مطابق قوانین و مقررات از ورود کالاهای خارجی مشابه تولید داخل ممانعت به عمل می‌آید.

در همه کشورها متناسب با منطق اقتصادی و منافع ملی و در راستای حمایت از تولید داخلی، ضمن پرهیز از رهاسازی واردات و واگذاری بازار داخلی به محصولات وارداتی، راهکارها و مدل‌هایی متناسب با اقتصاد بومی طراحی می‌شود تا در آن مدل بیشترین سودآوری برای رونق تولیدات داخلی، ایجاد اشتغال و رعایت حقوق مصرف‌کنندگان و توزیع‌کنندگان و ایجاد محدودیت در فعالیت رانت خواران و سودجویان لحاظ شود، به خصوص در زمینه تولیدات و واردات اقلام اساسی و حساس که به جهت اهمیت آن و نرخ ارز تخصیصی و تفاوت قیمتی با کشورهای همجوار، قاچاق آنها از داخل به خارج و بالعکس مورد طمع و هدف شبکه‌های غیر رسمی صادرات و واردات قرار می‌گیرد.

• آیا این سازمان در خصوص اخلال در بازار از جمله مبارزه و برخورد قاچاق کالا فعالیتی دارد؟

بله. سازمان حمایت در حیطه وظایف و اختیارات خود و در راستای حمایت از شبکه رسمی صادرات، واردات، توزیع و تجارصحیح‌العمل و با هدف جلوگیری از کمبود و اخلال در بازار به خصوص مواد اولیه مورد نیاز واحدهای تولیدی اقدامات موثری را به عمل آورده است که یکی از بارزترین مصادیق آن مقابله با قاچاق کالا شامل قاچاق صادرات و قاچاق واردات است. مبارزه با قاچاق کالا از جمله ورود کالاهای ممنوعه، ورود کالاهای مشابه محصولات داخلی و... است که در عمل باعث قطع سود آوری کلان رانت‌خواران و شرکت‌های خارجی رقیب تولید داخل می‌شود و این موضوع همواره مورد انتقاد این عده بوده اس. ولی در عین حال جلوگیری از قاچاق جزو مهم‌ترین اولویت‌های کاری دولت و این سازمان در سال جاری که به‌عنوان سال جهش تولید نامگذاری شده است، بود. در همین ارتباط از ابتدای سال تاکنون با بالغ بر ۱۰ هزار فقره بازرسی و تشکیل ۲۴۲ پرونده به مبارزه و جمع آوری کالای قاچاق در سطح عرصه اقدام کرده است، تمامی اقلام مکشوفه از طریق غیررسمی وارد کشور شده و در جهت ضربه زدن به اقتصاد کشور و فعالان اقتصادی (از جمله تجار صحیح‌العمل) بوده است. بدیهی است مطابق منطق اقتصادی، واردات آن دسته مواد اولیه و کالاهای سرمایه‌ای مورد نیاز تولید که تهیه آن در داخل میسر نبوده وبه خصوص کمبود آن منجر به کاهش تولید ودر نهایت بروز اختلال در زندگی آحاد مصرف‌کنندگان می‌شود و یا اقلام مصرفی که در داخل کشور تولید می‌شوند ولی به دلیل کمبود تولید باید مابقی نیاز جامعه از خارج کشور وارد شود، نه تنها ضروری است بلکه مورد حمایت و تاکید نیز قرار دارد. شایان ذکر است در شرایط کنونی اکثریت تجار متعهد و دلسوز با روش‌های مبتکرانه با توسعه صادرات انواع محصولات تولید داخل با هدف رونق تولید اقتصادی در حال کمک به اقتصاد کشور هستند.

• سازمان حمایت مصرف کنندگان و تولیدکنندگان چه برنامه ها و رویکردهایی در برنامه دارد؟

بله. رویکردهای مختلفی وجود دارد از جمله؛ نوین سازی شیوه های بازرسی و نظارت، توسعه سامانه ها، بهره‌گیری از فن آوری های نوین، جلب مشارکت مردمی، ایجاد بازار ناامن برای قاچاق کالاهای منتخب، رصد کالا و بازرسی و رسیدگی به شکایات مبتنی بر رویکرد مبارزه با قاچاق کالا، تقویت فعالیت‌های نظارتی پیش‌نگر، تقویت نگرش کارشناسی در فعالیت‌های بازرسی، تقویت حضور موثر در بازار و تقویت استفاده از توان اصناف و مردم در حضور بازار.

• و برنامه های کلیدی سازمان؟

از مجموع پروژه های تدوین شده سال ۱۳۹۹ وزارت صنعت، معدن و تجارت، سازمان حمایت مصرف کنندگان و تولیدکنندگان یک پروژه تحت عنوان «تقویت سیستم های نظارتی کالاها و خدمات و نظام توزیع از تولید و واردات تا مصرف» طراحی نموده است که از جمله آنها؛ نوین‌سازی شیوه های بازرسی و نظارت از طریق ایجاد، تقویت و توسعه سامانه‌های نظارتی اعم از سامانه مراکز نگهداری کالا و خدمات، سامانه اطلاع رسانی قیمت کالا و خدمات، سامانه یکپارچه مدیریت بازرسی، سامانه مجوزها (گارانتی و خدمات پس از فروش)، هوشمندسازی و مبارزه سیستماتیک با قاچاق کالا و ارز از طریق فن آوری های نوین، بازرسی و کشف قاچاق پوشاک و محصولات نساجی، بازرسی و کشف قاچاق لوازم خانگی،بازرسی و کشف قاچاق سایر گروه‌های کالایی، رتبه بندی عرضه کنندگان کالا و خدمات با بهره گیری از ظرفیت های مردمی و در نهایت استفاده از توان مردمی به ویژه سازمان های مردم نهاد جهت بکارگیری پویش‌های مردمی از جمله برنامه های کلیدی مرتبط با پروژه است.

• اصولا هدف از تشکیل انجمن حمایت از حقوق مصرف کنندگان چیست؟

براساس فصل سوم قانون حمایت از حقوق مصرف‌کنندگان مصوب ۱۳۸۸/۷/۱۵ مجلس شوراي اسلامي، انجمن ملي حمايت از حقوق مصرف‌کنندگان به منظور ساماندهی مشارکت مردمی در اجرای سیاست‌ها و برنامه‌های حمایت از حقوق مصرف‌کنندگان تشکیل و طبق قانون و آئین‌نامه‌هاي اجرایی آن و مفاد اساسنامه مصوب فعالیت می نماید که از جمله؛ کلیه فعالیت‌هاي انجمن غيرسياسي، غيرانتفاعي، غيرتجاري و غيردولتي بوده که پس از ثبت در وزارت صنعت، معدن و تجارت رسمیت یافته است و براساس قوانین و مقررات جمهوری اسلامی ایران و مفاد اساسنامه فعالیت می‌کند. همچنین محدوده فعالیت انجمن، سراسر کشور مي باشد و انجمن تابعیت جمهوری اسلامی ایران را دارد و کلیه اعضای آن التزام خود را به قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران اعلام می‌دارند. مضاف بر اینکه مدت فعالیت انجمن از تاریخ تاسیس نامحدود است.

• وظایف و اختیارات انجمن چه میزان است؟

بله! از جمله اختیارات انجمن؛ سیاست‌گذاري و برنامه‌ریزي لازم در جهت حمایت از حقوق مصرف‌کنندگان در سطح ملی، ارایه نظرات به مسوولین و همکاري با دستگاه‌هاي ذيربط اجرايي در اجراي موثر مقررات و قوانين مرتبط با حقوق مصرف‌کنندگان، آموزش با تمرکز بر تبيين حقوق مصرف‌کنندگان، استاندارد و کيفيت محصول به مصرف‌کنندگان از طريق رسانه‌هاي ارتباط جمعي، برگزاري مصاحبه، همايش و تشکيل دوره‌هاي آموزشي عمومي و تخصصي براي ساير انجمن‌ها، همکاري با سازمان‌هاي بين المللي مرتبط، کمک به تشکيل انجمن‌هاي استاني و شهرستاني، ارائه طرح و لايحه در جهت حمايت از حقوق مصرف‌کنندگان براي تصويب در دولت و مجلس شوراي اسلامي، بررسي و مطالعات کاربردي به منظور شناخت انحصارها، تباني و راه‌هاي جلوگيري آن و اعمال و اجراي رقابتي شدن بيشتر بازارهاي کالا و خدمات، انتقال و پيگيري موارد مرتبط با حقوق مصرف‌کنندگان به انجمن استانی و شهرستانی و سازمان‌های دولتی ذیربط، انتشار اطلاعات مورد نیاز مصرف‌کنندگان برای تهیه کالا و خدمات مورد نیاز و همچنین تمهیدات لازم به منظور ایجاد هماهنگی بین انجمن‌های حمایت از حقوق مصرف‌کنندگان استان و شهرستان است، همچنین دریافت، ارجاع و پيگيري دعاوي و شکايات مصرف‌کنندگان به مراجع ذيربط درصورتی که انجمن استان به دلیل محدودیت حوزه فعالیت، دعاوی مربوط را به انجمن ملی واگذار نماید و یا دعاویی که به تشخیص مرجع نظارتی در سطح ملی تشخیص داده شده و از انجمن ملی پیگیری می‌شود.

باید اضافه کنم، فعال‌سازی انجمن‌های استانی و شهرستانی، تعیین کمیته‌های تخصصی برای انجمن، برگزاری نمایشگاه‌های مرتبط با حقوق مصرف‌کننده، حضور در جلسات مرتبط با حقوق مصرف‌کننده در سایر دستگاه‌ها، سایر وظایفی که طبق قانون حمایت از حقوق مصرف‌کنندگان و آئین‌نامه های اجرایی آن به انجمن محول گردیده، از دیگر وظایف و اختیارات انجمن است.

• با توجه به حجم وسیع و گستردگی حوزه اصناف، واحدی به نام ناظران افتخاری در سازمان صمت وجود دارد که بازار را رصد می کنند و در صورت مشاهده تخلف واحدهای صنفی، موضوع را گزارش می کنند، لطف در مورد آن و ویژگی های ناظران افتخاری توضیح بدهید.

ناظر افتخاری به فردی اطلاق می شود که بدون قصد انتفاع، پس از طی فرآیند جذب، همکاری خود را با سازمان حمایت یا سازمان صنعت، معدن و تجارت استان آغاز می نماید و ضمن رصد بازار در صورت مشاهده تخلف واحدهای صنفی به صورت محرمانه و بدون اعلام به متصدی واحد مذکور، موضوعات تخلف را به یکی از طرق پیش بینی شده که متعاقباً ذکر می‌گردد، ثبت نموده و جهت پیگیری و انجام مراحل بعدی، ارسال نمایند. در مورد ویژگی های ناظران هم اینکه، صداقت در گفتار و نوشتار، پرهیز از پیش داوری، پرهیز از تبعیض، رعایت موازین اسلامی اخلاق، رعایت موقعیت شغلی و اجتماعی افراد، دقت در مشاهدات و... از جمله خصوصیات ناظر افتخاری می باشد؛ ضمن اینکه ناظر افتخاری می بایست شرایط عمومی از جمله دارا بودن حداقل سن ۱۸ سال، تابعیت ایرانی، حسن شهرت و خلق و حداقل تحصیلات دیپلم را دارا باشند.

• فرآیند ارزیابی و انتخاب بنگاه های حامی حقوق مصرف کننده به شکل است؟

فرآیند ارزیابی و انتخاب بنگاه های حامی حقوق مصرف کننده از سال ۱۳۸۰ آغاز شده است و سازمان حمایت طی این فرآیند تاکنون در ۱۹ دوره، بنگاه های اقتصادی برگزیده در حوزه رعایت حقوق مصرف کننده را به جامعه معرفی نموده و با اعطای گواهینامه و تندیس های ملی رعایت حقوق مصرف کنندگان از آن ها تقدیر نموده است. این فرآیند بر اساس شاخص های ارزیابی بنگاه های متقاضی به منظور اعطای گواهینامه و تندیس، بنگاه های برتر را انتخاب می نماید که عبارتند از: رعایت ضوابط مالی و فروش، کیفیت، توزیع و خدمات فروش (قبل، حین و پس از فروش) و اطلاع رسانی مناسب به مشتری و کسب رضایت مشتری که این شاخص‌ها به تفکیک برای ارزیابی واحدهای تولیدی و خدماتی، در آیین نامه مربوط ارائه شده است. فرآیند ارزیابی بنگاه های اقتصادی با حضور حوزه های ذیربط سازمان حمایت مصرف کنندگان و تولیدکنندگان و با همکاری نمایندگان دستگاه ها و نهادهای ذی مدخل از جمله: وزارت خانه های صنعت، معدن و تجارت، امور اقتصادی و دارایی، بهداشت، درمان و آموزش پزشکی، تعاون، کار و رفاه اجتماعی، جهاد کشاورزی، سازمان ملی استاندارد، بانک مرکزی، اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی ایران، سازمان توسعه تجارت ایران، سازمان برنامه و بودجه و انجمن ملی حمایت از حقوق مصرف کنندگان، به عنوان اعضای شورای سیاستگذاری اعطای گواهینامه و تندیس، برگزار می شود.

مضافا اینکه مدت زمان اعتبار گواهینامه و تندیس رعایت حقوق مصرف کنندگان از زمان صدور به مدت یکسال تعیین شده است و بنگاه های اقتصادی در معرفی وتبلیغ کالای تولیدی یا ارائه خدمت می توانند در این مدت به این نشان استناد نمایند. لازم به ذکر است که این نشان در مدت زمان اعتبار، برای بنگاه اقتصادی مصونیتی ایجاد نکرده و به منظور جلوگیری از انجام اقدامات مغایر با رعایت حقوق مصرف کنندگان، بنگاه به صورت مستمر مورد رصد و پایش قرار می گیرد.

یکی دیگر از مشخصه های اصلی این فرآیند، حضور داوطلبانه بنگاه های اقتصادی است؛ آمار متقاضیان نشان می دهد چه تعداد بنگاه اقتصادی در سطح ملی، مطابق ارزیابی خود، فعالیتی در راستای حقوق مصرف کنندگان داشته اند که در آمار ۱۹ دوره گذشته این همایش، تعداد شرکت های متقاضی دریافت گواهینامه و تندیس ، از ۳۲ شرکت در سال ۱۳۸۰، به ۵۸۹ شرکت در سال ۱۳۹۸ رسیده است که گویای رشد بیش از ۱۸ برابری و تعداد شرکت های منتخب، از ۶ شرکت در سال ۱۳۸۰، به ۷۰ شرکت در سال ۱۳۹۸ رسیده است که گویای رشد بیش از ۱۱ برابری است؛ از این رو از بنگاه های اقتصادی تقاضا دارد تا ضمن ارسال نقطه نظرات خود به دبیرخانه فرآیند ارزیابی و انتخاب بنگاه های حامی حقوق مصرف کننده به نشانی اینترنتی www.esfand9th.ir ، این دبیرخانه را در راستای بهبود کیفیت فرآیند ارزیابی یاری فرمایید.

• اهداف مورد نظر سازمان حمایت مصرف‌کنندگان و تولیدکنندگان چیست؟

ایجاد، تثبیت و نهادینه شدن ساختار رقابتی سالم و تشویق فعالیت‌های بنگاه‌های اقتصادی به حمایت مؤثر و افزونتر از حقوق مصرف‌کنندگان از اهداف مورد نظر این سازمان است.

• * چه انتظاری از تولیدکنندگان و ارائه دهندگان خدمات دارید؟

رهبر معظم انقلاب پیش از این و در ادوار مختلف همواره در خصوص حمایت از کالای ایرانی تاکید کرده اند؛ درواقع، ایشان با تشخیص اینکه اقتصاد و مسائل اقتصادی - معیشتی مسأله و در عین حال نقطه‌ی آسیب‌پذیری کشور می‌باشد، بر روی مسائل اقتصادی، به ویژه تقویت تولید داخلی، اقتصاد مقاومتی، استحکام بخشی ساخت درونی قدرت، جهاد اقتصادی، نوآوری و شکوفایی، اشتغال‌زایی، مبارزه با فساد و قاچاق کالا، جلوگیری از واردات بی‌رویه، حمایت از کالای ایرانی و... تأکید کرده‌اند و براین اساس، باید گفت که حمایت از کالای ایرانی بخشی در راستا و بخشی از این مسأله کلان است. لذا با توجه به این موضوع، در اهداف مورد نظر حمایت از کالاهای ایرانی، افزایش انگیزه و حساسیت در تولیدکنندگان و ارائه دهندگان خدمات برای رعایت بیشتر حقوق مصرف‌کنندگان از طریق ارتقای کیفیت کالا، بسته بندی مناسب، مطابق شرایط اکولوژیک، تامین سلایق مشتریان و تنوع در تولید، ترغیب و تشویق تولیدات رقابت پذیر، صادرات محور و مشتری مدار، حرکت در جهت کاهش قیمت تمام شده و ارایه به موقع و مطلوب خدمات قبل، حین و پس از فروش کالا و پرداخت خسارت اعتماد به برند برای حفظ و گسترش سهم بازار، ترغیب بنگاه های اقتصادی در جهت ارائه کالا و خدمات استاندارد، گسترش فضای رقابتی سالم بین بنگاه های اقتصادی، ارتقا کیفی و روزآمدی تولیدات آن، حمایت از تولیدات سازگار با محیط زیست و سلامت، ترغیب افزایش بهره وری و کاهش هزینه های تولید و تولید منطبق با استانداردهای کشورهای هدف صادراتی (فراتر از استاندارد ملّی) و در نهایت ترغیب بنگاه های تولیدی به توسعه در حوزه R&D برای تامین سلیقه مصرف کنندگان و افزایش سهم بازارهای داخلی و خارجی در برنامه ها و اهداف این سازمان قرار دارد.

• انتظار شما از مصرف کنندگان چیست؟

اغلب مصرف کنندگان انتظار دارند که نیازها و انتظارات آن ها مورد توجه قرار بگیرد و البته ما هم انتظار داریم که مردم و به طور کلی مصرف کنندگان از کالاها و خدمات با کیفیت داخلی استقبال کنند، ضمن اینکه مصرف و خرید کالاها و خدمات ایرانی که در حوزه رعایت حقوق مصرف کنندگان موفق به دریافت لوح و تندیس می شوند. همچنین عدم خرید کالای قاچاق، عدم خرید از واحدهایی که به دلیل تخلف، از جمله گرانفروشی در تعزیرات و محاکم قضایی دارای پرونده هستند، عدم خرید از عرضه کنندگانی که حقوق مشتری، از جمله اطلاع رسانی صحیح قیمت و یا صدور فاکتور را رعایت نمی کنند و در آخر حمایت همه جانبه از تولیدات ایرانی انتظاری است که ما از مصرف کنندگان داریم.

***

تردیدی وجود ندارد که تولید محصولات با کیفیت، منشاء همه آثار مثبت در اقتصاد و معیشت هر ملتی است و حمایت از آن در اولویت همه کشورها قرار دارد؛ بر اثر تولید و حمایت از آن است که رفاه اجتماعی، رشد اقتصادی و ثروت ملی حاصل شده و ارتقاء می‌یابد و در کنار آن قیمت‌ها کاهش یافته، نرخ بیکاری و قاچاق کالا به حداقل می رسد و تبعات مثبتی همچون صادرات و ارزآوری و در یک کلام، رفاه عمومی محقق خواهد شد و در دیگر سو بسیاری از معضلات اجتماعی فروکش می کند که البته دستیابی به این مهم منوط به رعایت و توجه به حقوق مصرف کنندگان است که کالایی با کیفیت و استاندارد تولید شود تا با اقبال بی چون چرای مصرف کننده همراه شود؛ امید است این رویکرد بیش از پیش مورد توجه متولیان امر قرار بگیرد.

اغلب مصرف کنندگان انتظار دارند که نیازها و انتظارات آن ها مورد توجه قرار بگیرد و البته ما هم انتظار داریم که مردم و به طور کلی مصرف کنندگان از کالاها و خدمات با کیفیت داخلی استقبال کنند، همچنین عدم خرید کالای قاچاق، عدم خرید از واحدهایی که به دلیل تخلف، از جمله گرانفروشی در تعزیرات و محاکم قضایی دارای پرونده هستند، عدم خرید از عرضه کنندگانی که حقوق مشتری، از جمله اطلاع رسانی صحیح قیمت و یا صدور فاکتور را رعایت نمی کنند و در آخر حمایت همه جانبه از تولیدات ایرانی انتظاری است که ما از مصرف کنندگان داریم.

پیام شهر قزوین

هفته نامه اطلاع رسانی شهرداری قزوین صاحب امتیاز: شهرداری قزوین
مدیرمسئول: سید محمدرضا قافله باشی
سردبیر : حیدر ولی زاده
عکاس: حنا خلج و علیرضا نصری
صفحه آرایی و گرافیک: مرتضا عَلیا چاپ: چاپخانه روزنامه ولایت
آدرس: قزوین، خیابان آیت اله کاشانی (باغ دبیر)، کوچه آزاد، پلاک۲، هفته نامه پیام شهر شماره تماس: ۳۳۲۳۱۲۴۱
وب سایت: payameshahr.com
اینستاگرام: payameshahr_com
پست الکترونیکی: info@payameshahr.com
استفاده از مطالب و عکس های نشریه با ذکر منابع آزاد است.

شنبه ۱۹ اسفند ماه ۱۴۰۲ | ۲۸ شعبان ۱۴۴۵ | شـماره ۳۹۳

پیامبر اکرم (ص):

أَيُّمَا امْرِئٍ وَلِيَ مِنْ أَمْرِ الْمُسْلِمِينَ وَلَمْ يَحْطُهُم بِما يَحُوطُ بِهِ نَفْسَهُ لَمْ يَرَحْ رائِحَةَ الجَنَّةِ.

هر کس بخشی از کار مسلمانان را بر عهده گیرد و در کار آن‌ها مانند کار خود دلسوزی نکند، بوی بهشت را استشمام نخواهد کرد.)

کنزالعمال، ج ۶، ص ۲۰، ح ۱۴۶۵۴

مرغ بال‌وپر بسته شعر مینودری؛

کمبود فضای کارگاهی و نبود حمایت معیشتی سد بزرگی برای رشد شاعران قزوینی است

آرش صالحی

با نگاهی اجمالی به تاریخ ادبیات معاصر ایران می‌توانیم شاهد درخشش‌های گوناگون شاعران و ادیبانی باشیم که از سرزمین کهن قزوین برخاسته‌اند و هر کدام از آنها به سهم خود موجبات پیشرفت شعر فارسی را فراهم کرده‌اند. شاعران هنرمندی مانند سعید عاشقی و یاسر قنبولو که با وجود همه سنگ‌زدن‌ها خوشبختانه امروز هم کم نیستند و دیار مینودری را با هنرنمایی‌های خود همواره سربلند کرده‌اند. با این همه عرصه شعر و شاعری در استان با آسیب‌های زیادی مواجه است و اغلب شاعران هم‌استانی از حمایت نشدن و کم‌توجهی مسوولان فرهنگی به مشکلات آنها گله می‌کنند. این در حالیست که امروز شعرای مطرحی در استان قزوین داریم که می‌توانند با فعالیت در عرصه موسیقی از جمله ترانه و تصنیف ضمن توسعه اقتصاد هنر این دیار به تقویت برند فرهنگ و هنر قزوین در عرصه فرهنگی کشور و حتی جهان کمک کنند.

• برچیده شدن انجمن‌های ادبی

یکی از شاعران قزوینی در گفت‌وگو با پیام شهر در مورد مشکلات شعر و شاعری در استان گفت: برخلاف دهه ۶۰ که شاعران جوان به سختی می‌توانستند وارد محافل شعری شوند، از دهه ۸۰ به بعد شعرای جوان خیلی‌راحت وارد انجمن‌های شعری شده، ولی تعداد خیلی‌کمی از آنها ماندگار شده و بقیه از دایره شعر بیرون می‌روند.

مجید بالدران با بیان اینکه جدی‌ترین فعالیت‌های کنونی شعر و ادب استان در حوزه هنری قزوین صورت می‌گیرند، افزود: برچیده یا غیرفعال شدن برخی انجمن‌های ادبی از قبیل «عبید»، «توتم» و «خانه شعر جوان» که با فعالیت‌های خود به رشد و شکوفایی شعر دیار مینودری کمک می‌کردند، از رونق فضاهای شعری استان قزوین کاسته است.

وی غفلت رسانه‌های برخط و مکتوب استان از شاعران قزوینی را یادآور شد و ادامه داد: در حال حاضر در هیچ‌کدام از جراید و نشریات استان قزوین صفحه شعر نداریم. در حالی که در دهه ۷۰ در هفته‌نامه‌هایی مانند «حدیث» و «مینودر» شاهد چاپ آثار زیادی از شاعران هم‌استانی بودیم.

• مغفول ماندن ترانه و تصنیف

این شاعر سپیدسرا با تأکید بر ضرورت آشتی شعر امروز قزوین با اشکال و قالب‌های جدید شعری گفت: به رغم اینکه قزوین همواره از قطب‌های بزرگ ترانه‌سرایی و تصنیف‌سرایی ایران به حساب می‌آمد، اما امروزه این ۲ گونه مهم در شعر و موسیقی از سوی شاعران و مسوولان فرهنگی استان مغفول واقع شده‌اند.

بالدران با ابراز گلایه از کم‌توجهی شعرای قزوینی به شعر طنز اضافه کرد: با توجه به پیشینیه روشن شاعران قزوینی مانند «عبیدزاکانی»، «دهخدا» و «نسیم شمال» و پتانسیل‌هایی که گویش قزوینی در تولید ادبیات و مضامین طنزآمیز دارد، حرکت‌های کمی در این خصوص به چشم می‌خورند.

• بیمه نبودن شاعران استان

دیگر شاعر برجسته استان در گفت‌وگو با پیام شهر بیمه نبودن شاعران را در زمره معضلات اقتصادی جدی این قشر فرهیخته و هنرمند دانست و گفت: متأسفانه هیچ صندوقی برای حمایت از شعرای استان وجود ندارد تا وام یا تسهیلات مالی مورد نیاز شاعران را در اختیار آنها بگذارد.

اکبر آقارضایی چاپ کتاب یا کسب جوایز در جشنواره‌های شعری را تنها راه‌های کسب درآمد برای شاعران قزوینی بیان کرد و افزود: پس از چاپ هر کتاب یا مجموعه شعری لازم است که صداوسیما به اطلاع رسانی و تبلیغات در مورد آن بپردازد و دیگر دستگاه‌ها و سازمان‌های فرهنگی هم در چارچوب همایش‌هایی که دارند، این آثار را معرفی کنند.

وی فضای مجازی را از مسیرهای تأثیرگذار برای تبلیغ کردن آثار شعری توصیف کرد و ادامه داد: اگر هنگام برپایی نمایشگاه‌های کتاب، انتشار کتاب‌ها یا دفاتر شعر به صورت موازی از طریق شبکه‌های اجتماعی اطلاع رسانی شود، اثر قابل توجهی در فروش چنین کتاب‌هایی خواهد گذاشت.

• موضوع جشنواره باید آزاد باشد

این غزل‌سرای قزوینی درباره تأثیر جشنواره‌ها بر ارتقای شعر استان عنوان کرد: قطعاً اگر جشنواره‌ها و سایر رقابت‌های ادبی با موضوع آزاد برگزار شوند، سبب رشد کیفی شعر و شاعری می‌شوند. ولی اگر برای جشنواره موضوع محدودی را معین یا برای آن حیطه‌بندی‌های خاصی را تعریف کنیم، بسیاری از شاعران خوب ما در آن شرکت نمی‌کنند.

آقارضایی ادامه داد: ضرورت دارد که در برپایی جشنواره‌هایی مانند شعر عاشورایی موضوع شعرها آزاد بوده و توجه دست‌اندرکاران آن بیشتر به مفهوم آثار باشد، در این صورت در کنار ساختار و شکل اشعار، اندیشه، نگاه و محتوای آنها هم بهبود خواهد یافت.

• کمبود فضا برای نشست‌های شاعرانه

یکی دیگر از شاعران شناخته‌شده استان قزوین هم کمبود فضاهای فیزیکی برای برگزاری نشست‌های تخصصی شاعران را از جمله مشکلات آنها دانست و به پیام شهر گفت: ضرورت دارد که نهادهای متولی مانند سازمان فرهنگی-ورزشی شهرداری و همچنین دانشگاه‌ها اماکنی را به برپایی جلسه‌های کارگاهی و همایش‌های شاعران اختصاص دهند.

رحیم سلیمانی با ذکر این نکته که تغییر محل برگزاری این جلسات ریزش مخاطب را به همراه خواهد داشت، افزود: مورد دیگری که باید در این زمینه لحاظ شود، این است که فضای تخصیص‌یافته، از جهت مساحت و موقعیت مناسب روحیه شعرا و علاقه مندان نشست‌های ادبی باشد.

وی ادامه داد: با توجه به افتخارآفرینی و هنرنمایی شاعران هم استانی در سطح کشور و تأثیرگذاری این افراد در حوزه فرهنگ می‌توانیم نهادی با نام «خانه شاعران» تأسیس کنیم و چاره‌اندیشی و کشف راه حل برای برطرف کردن مشکلات شاعران را به خود آنها بسپاریم.

• نادیده گرفته شدن ارتباط شعر و خوشنویسی

از سوی دیگر، یک شاعر جوان استان هم در گفت‌وگو با پیام شهر با یادآوری اینکه قزوین را پایتخت هنر خوشنویسی لقب داده‌اند، گفت: متأسفانه در شهر قزوین که مهد خوشنویسی است، پیوند تنگاتنگ و عمیق شعر و خوشنویسی دست کم گرفته می‌شود و خیلی‌کم می‌بینیم که اشعار شاعران معاصر استان توسط خوشنویسان زبده استان کتابت شود.

علی فلاح شیخلری با بیان اینکه قزوین دچار کمبود حامیان متخصص در زمینه شعر است و حتی بعضاً حامیان واقعی با بی‌مهری مواجه می‌شوند، افزود: همانند بسیاری از هنرهای دیگر شعر نیز نیازمند نگاه‌های تازه است، اما شاعران جوان قزوین آن گونه که در سطح کشور به آنها توجه می‌شود، در شهر خود مورد حمایت همه‌جانبه نیستند و از این رو نمی‌توانند استعدادهای خود را بروز دهند.

وی ادامه داد: تربیت شاعران متخصص نیازمند ایجاد فضاهای مناسب و پرورش نگاه دغدغه‌مندانه نسبت به هنر است که متأسفانه در استان قزوین با کمبود چنین فضاهایی روبه‌رو هستیم.

فوکس

عکاس: حنا خج | حسین میرکمالی

آیین روز درختکاری

ISO 200

AUTO ISO 50 ISO 100 ISO 200 ISO 400 ISO 800 ISO 1600 ISO 3200